

درس نهم

«راز زندگی»

اهداف آموزشی

- آشنایی دانش‌آموزان با شعر نو
 - تقویت علاقه دانش‌آموزان به زندگی
 - تقویت توجه دانش‌آموزان به زیبایی‌های زندگی
 - آشنایی دانش‌آموزان با مناظره
 - مهارت تشخیص و تفکیک آرایه‌های ادبی
 - مهارت خوانش صحیح شعر نو (تشخیص تکیه‌گاه‌های آوایی)
 - تقویت امید به زندگی در دانش‌آموزان
 - آشنایی با جاندار پنداری (جان بخشی، تشخیص)
 - تقویت روحیه عزت نفس در دانش‌آموزان
- نگرش شبکه‌ای : راز زندگی با نگاهی زیبا و ادیبانه، به فلسفه زندگی می‌پردازد و بکارگیری درست و منطقی «تجربه» را به زبانی ساده، عمیق و تأثیرگذار و روان توصیه می‌کند. پیام این شعر تجربه را در آداب زندگی متجلی می‌کند. شاعر، بخشی از آداب زندگی را بهره‌گیری از تجارب دیگران عنوان می‌کند و زیبا زیستن را می‌آموزد. حکایت این فصل نیز پیوستار عمیقی با عنوان فصل دارد که بر عزت و کرامت نفس که جزئی از آداب زندگی است تأکید می‌کند.

روش‌های پیشنهادی تدریس

- دکلمه خوانی
 - گردش علمی
 - ایفای نقش
- روش کاربردی ایفای نقش در کلاس :
- ۱- گروهی برای اجرای نمایشنامه داوطلب می‌شوند.
 - ۲- دانش‌آموزان بر اساس ذوق و علاقه خود نقش موردنظر را انتخاب می‌کنند.
 - ۳- معلم برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی عملیات و برنامه نمایشی ایفاگران نقش را به عهده می‌گیرد.

۴- گروه مشاهده‌گر که بقیه دانش‌آموزان کلاس هستند، می‌توانند در جریان یا پایان نمایش پیرامون عملیات و موضوع درسی نمایش اظهار نظر یا سؤال کنند.

دانش علمی در خصوص روش ایفای نقش : ایفای نقش روشی است که می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایش مناسب باشند به کار رود. در این روش فرد یا افرادی از دانش‌آموزان موضوعی را به صورت نمایشی کوتاه اجرا می‌کنند. از ویژگی‌های این روش این است که مشاهده‌کنندگان با عملیات نمایش و ایفاگران نقش ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند، با هیجان، عملیات نمایشی را می‌بینند و خود را در صحنه احساس می‌کنند. چون تمام حواس دانش‌آموزان برای مشاهده نمایش به کار گرفته می‌شود، عمل یادگیری نیز انجام می‌گیرد.

نکات مهم درس

— **پیام شعر :** درک مفهوم فلسفه زندگی است.

— **شعر «راز زندگی»** با انتخاب مناسب شخصیت‌ها و گفت‌وگو از زبان آنها، فلسفه زیستن را به گونه‌ای زیبا به فراگیران می‌آموزد. آن چه شعر را زیباتر می‌سازد زبان روان آن است. استفاده از آرایه تناسب در جای جای شعر، توصیف زندگی از زبان گل، ذکر ضرب‌المثل در دل شعر و اشاره گل به فلسفه زندگی، به شعر ارزش و اعتبار ویژه‌ای بخشیده است.

— این درس در فصل «آداب زندگی» آمده است و زیبا زیستن و با دیدی زیبا به زندگی نگرستن را آموزش می‌دهد، بنابراین باید در جهت تحقق اهداف فصل یعنی بهره‌گیری از فرصت‌ها برای زندگی شاداب، متعالی و رو به رشد و فعال و پرشور، تبیین و تحلیل شود.

— زبان شعر، روان، ساده، عمیق و تأثیرگذار است و با بهره‌گیری از طبیعت که همواره مظهر زیبایی است، امید به زندگی را در دانش‌آموزان می‌پروراند.

از آن جایی که شاعر، نظر خواننده را نیز در مورد راز زندگی جویا می‌شود و فضای عمومی شعر سرشار از احساسی عاطفی و لطیف است، به خوبی در ذهن مخاطب جای می‌گیرد.

— **قالب شعر :** قالب شعر، نو می‌باشد و از نمونه‌های موفق شعر نیمایی است. وزن و آهنگ زیبا و دلنشین شعر نیز بر جذابیت آن افزوده است. زبان شعر امروزی، به جهت به کار گرفتن کنایه، اصطلاحات و ضرب‌المثل، تأثیر زیادی بر فراگیر دارد.

— تفکر و ژرف‌نگری در پدیده‌ها در فرهنگ دینی ما توصیه شده است و این درس فراگیر را به تفکر و تأمل در «زندگی» سوق می‌دهد.

— شایسته است معلم با اشاره به نزول باران، سر سبزی و زنده شدن زمین‌های خشک و مرده به موضوع شکفتن اشاره کند. بهار به سبب آن که این تغییر و تحول را به خوبی نشان می‌دهد، فرصت بی‌نظیری برای درک و فهم حقیقت زندگی است، بنابراین با بردن دانش‌آموزان به درون طبیعت و گردشگری در آن، این فرصت را به آنان بدهیم تا با حقیقت زندگی آشنا شوند.

همچنین معلمان می‌توانند با تبیین درست مفاهیم زندگی و فلسفه و هدف آن، فراگیر را به گونه‌ای بیروانند که همواره از طبیعت درس‌های گوناگونی بگیرند و در آینده گرفتار غفلت نشوند.

حقیقت زندگی انسان و هدف از خلقت او، محدود در همین دنیا نیست. دنیا برای آخرت آفریده شده است. دنیا محل تجارت «زراعت آخرت» و محل آزمایش است. خداوند انسان را آفرید و او را راهنمایی کرد تا بتواند به کمال دست یابد.

— توجه به کاربرد تناسب (مراعات نظیر) و استفاده از واژه‌های غنچه، گل و باغچه در : «گفت و گوی غنچه و گل از درون باغچه باز هم به گوش می‌رسد»، نیز نکته دیگری در متن درس است.

— تناسب : تناسب، آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه است که با هم تناسب دارند. این تناسب می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی و... باشد. مراعات نظیر تداعی معانی است. این آرایه موجب تکاپوی ذهن می‌شود.

— در این شعر آرایه «تشخیص» یا «جان بخشی» به کار گرفته شده است.

به عنوان نمونه : (غنچه با دل گرفته گفت) و (گل به خنده گفت) و (گل به راز زندگی اشاره کرده است) و...

— شخصیت بخشی : هر گاه در نوشته به اشیای بی جان یا حتی جاندار غیر انسان، جان و روح و صفت انسانی ببخشیم، به این

آرایه، جان بخشی یا شخصیت بخشی می‌گوییم.

نمونه دیگری از قیصر امین پور :

«آسمان تعطیل است

بادها بی کارند

ابرها خشک و خیس

هق هق گریه خود را خوردند.»

در این درس مناظره زیبایی غنچه و گل به چشم می‌خورد.

— مناظره : مناظره با هم سؤال کردن است و به تعبیر دیگر مکالمه و گفت و گویی است دو طرفه که هر طرف با آوردن دلیل و

ارائه نظرات خود سعی می‌کند برتری خویش را بر دیگری به اثبات رساند. شعر «نکوهش بی جا» از «پروین اعتصامی» نمونه‌ای زیبا از

یک مناظره است :

نکوهش بی جا

که تو مسکین، چه قدر بدبویی

زان ره از خلق، عیب می‌جویی

نشود باعث نکورویی

به صف سرو لاله می‌روی

یا ز ازهار باغ مینویسی

تو هم از ساکنان این کوئی

تو خود، این ره چگونه می‌پویی؟

اول آن به که عیب خود گویی

تو چرا شوخ تن نمی‌شویی؟

سیر، یک روز طعن زد به پیاز

گفت، از عیب خویش بی خبری

گفتن از زشت روی دیگران

تو گمان می‌کنی که شاخ گلی

یا که هبوی مشک تاتاری

خوشتن، بی سبب بزرگ مکن

ره ما، گر کج است و ناهموار

در خود آن به که نیک ترنگری

ما زبونیم و شوخ جامه و پست

املا، تمرین ۳ :

— در زبان فارسی هرگز دو مصوت بی فاصله کنار هم نمی آیند؛ بنابراین هر گاه در ساختن واژه دو مصوت در پی هم بیایند برای ساده کردن تلفظ و کاربرد آن، حرف میانی یا واسطه (گ، ی) را می آوریم.

مانند : آزاده + ی = آزادگی

نکته آموزشی کارگاه نویسندگی، خلاصه نویسی

فواید و ضرورت خلاصه نویسی : «خلاصه نویسی» نوعی مهارت نگارشی محسوب می شود و آشنایی با آن در کارهای قلمی و پژوهشی و گزارش نویسی مفید و کارساز است. گاهی از مطالب برای خودمان خلاصه برداری می کنیم، گاهی برای دیگری. در صورت اول، برای بهره برداری خودمان است، در صورت دوم برای فایده رسانی به دیگران.

فواید خلاصه نویسی :

۱- بهره گیری از یادداشت های خلاصه، برای مراجعه مجدد به آنها

۲- تمرینی برای کار قلمی و رشد نیروی نویسندگی انسان

۳- تقویت بیش و رشد فکری انسان در سایه این گزینش و تلخیص

۴- تسهیل برخورداری از محتویات کتب و مقالات، در حجمی اندک

۵- ایجاد انگیزه در دانش آموزان برای مطالعه

۶- کمک در به خاطر سپردن مطالب و از یاد نرفتن آنها

۷- کمک به تمرکز فکر هنگام خواندن کتاب و مقاله

با توجه به اینکه در خلاصه نویسی، باید به «کاهش حجم نوشته» پرداخت، بی آنکه هدف نویسنده و گوینده و پیام اصلی نوشته و سخن از بین برود، ضروری است که مهارت لازم در این امر کسب شود. این مهارت هم جز با تمرین زیاد، و نیز کار زیر نظر مربی و استاد، کمتر به دست می آید. تفاوت خلاصه نویسی با گزیده، گلچین و یادداشت برداری این است که در یادداشت برداری و گزیده نویسی، نکات مورد نظر و مورد علاقه شخص از جاهای مختلف نوشته می شود و چه بسا انسجام و پیوستگی میان گزیده ها وجود نداشته باشد؛ ولی در خلاصه نویسی، عنایت روی یک کتاب یا مقاله یا متن خاصی است.

● در امر خلاصه نویسی، مراحل زیر پیشنهاد می شود :

— مطالعه یا مرور اجمالی، پیش از اقدام به تلخیص

— مشخص ساختن میزان و درصد تلخیصی که باید انجام شود

— مشخص کردن موارد و مطالب اصلی و فرعی، هنگام مطالعه

— حذف مطالب غیر عمده و باقی گذاشتن نکات اصلی

— حفظ امانت و اصالت در عبارات و محتوا

تفاوت تلخیص با باز نویسی و باز آفرینی :

باز نویسی، برگردان متون کهن (شعر یا نثر) به نثر و عبارت است؛ بی آن که مفهوم و محتوا دگرگون شود. در باز آفرینی، محتوا و سوز کهن، تبدیل به اثر جدیدی می شود که با اصل متفاوت است. باز نویسی مثل تعمیرات اساسی یک خانه است، اما باز آفرینی، کوبیدن بنا و از نو ساختن است که چه بسا نقشه ساختمان و کیفیت چهار چوب اولیه هم، به هم می خورد. در باز نویسی، مضمون متن قدیم حفظ می شود، تغییرات در جا به جایی حوادث و الفاظ و ترکیب ها انجام می گیرد. اصول زبان فارسی حفظ می گردد و از شکسته نویسی پرهیز می شود. توجه به سن و سطح فکر مخاطب، جهت درک و لذت بردن ضروری است. باید چیزی را باز نویسی

کرد که از نظر پیام و محتوا، ارزش داشته باشد. باز نویسی گاهی از نثر به نثر است. گاهی از شعر به شعر، از نظم به نثر و از نثر به نظم. در خلاصه نویسی، نه پیام عوض می شود، نه قالب و محتوا و نه بهتر ساختن سبک نگارش؛ بر خلاف باز نویسی که اغلب یا به خاطر ضعف قلمی اثر نخستین است یا نامناسب بودن آن با شیوه امروزی. خلاصه نویسی اغلب برای استفاده بهتر از فرصت و زمان است اما در باز نویسی هدف مهم تر ارائه اثری متناسب با نیاز و ضرورت های جدید فرهنگی و ادبی است. در این که خلاصه نویسی را باید با استفاده از قلم و جمله پردازی خودمان بنویسیم یا با حفظ عبارات اصلی، موارد مختلف است. گاهی روی الفاظ متن اصلی، عنایت و تأکید خاصی است که دخل و تصرف در عبارات، مسئله ساز و گاهی تحریف می شود. آن جا باید تلخیص را با بهره گیری از عین عبارات اصلی انجام داد.

چند نکته لازم :

- در تلخیص یک متن یا بحث منسجم، سعی شود انسجام و پیوستگی مطالب، در «خلاصه» هم حفظ شود.
- جملات کوتاه و کلمات ساده، به کار گرفته شود.
- متن مورد تلخیص، در جزوه «خلاصه» معرفی شود : یعنی نام نویسنده، ناشر، میزان صفحات، درصد تلخیص، خلاصه نویسنده، تاریخ تلخیص و مشخصات دیگر نوشته اصلی یا نوار و سخنرانی و جلسه و سمینار و درسی که به صورت خلاصه در آمده است، نقل شود.
- نکات دستوری و نیز هماهنگی و یکنواختی زمان افعال و سبک و سیاق نوشته رعایت گردد.
- سلیقه و نظم در نگارش خلاصه، صفحه آرایی و فصل بندی نیز از یاد نرود.
- در خلاصه، مطالبی آورده نشود که در متن اصلی نیست.

حکایت «عمر گران مایه»



سعدی در حکایت عمر گران مایه مردم را به داشتن طبع بلند و دست یافتن به عزت نفس توصیه می کند. انسان گاهی در زندگی بر سر دو راهی قرار می گیرد. سعدی می گوید برای لقمه ای نان هیچ وقت کمر خم نکنید. وقتی انسان حقیقت را می طلبد، اگر هم به ظاهر چیزی را از دست بدهد، در واقع چیزی بزرگ تر به دست می آورد. در حکایت درس، دو برادر می توانند همان جنگ بین دل و عقل انسان باشد (البته عقل دنیایی).

اگر کسی آهن گداخته را با دست خمیر کند بهتر از آن است که دست به سینه مدام پیش امیر خم و راست شود و روحش را بیازد.

نکاتی پیرامون حکایت عمر گران مایه : عمر گران مایه از باب اول گلستان سعدی، حکایت شماره ۳۶ نقل شده است. باب اول از گلستان سعدی درباره سیرت پادشاهان است و مطالب آن حول چند محور است :

۱- قدرت طلبی

۲- نصایحی که به شاهان می کند.

۳- آفاقی که مناصب و پست های حکومتی دارند.

۴- توصیه هایی به اطرافیان حاکمان

گلستان سعدی، پر بارترین نثر فارسی است که در کمتر از سه ماه نگاشته شده است ولی دست مایه آن تجارب ارزشمندی است که در سفرهای مختلف، در دیدار با شخصیت ها و مردم عادی، اماکن گوناگون و همچنین تحصیلات فراوانی که داشته به دست آمده است. گلستان شامل اخلاق و پند و اندرز است و ذکر حوادثی که نتایج اخلاقی و تربیتی در بردارد.

سعدی به دنبال نقل حادثه نیست، بلکه به دنبال این است که از آن برای بهبود زندگی انسان ها نتیجه بگیرد. گلستان، تصویر جهان و زندگی است. تصویر زیبایی ها و زشتی ها و واقعیت های زندگی که هنرمندانه بیان شده است.

نثر سعدی در گلستان نثر مسجع است اما به گونه‌ای ابتکاری که سنگین نیست. کلماتی را انتخاب کرده و به هم پیوسته که طنین موسیقی و آهنگ مناسب و موزون و دلنواز را به گوش می‌رساند. بیشتر اشعار گلستان از خود سعدی است و این ابیات برای شاهد مثال نیست بلکه برای ادامه مطلب است. از نثر به نظم می‌آید و مطلب را کامل می‌کند.

بخوان و ببندیش



داستان پیاده و سوار

پیام کلی داستان بارخود را به دوش کشیدن، تصمیم‌گیری عاقلانه، دوراندیشی و آینده‌نگری است. به گونه‌ای که حضرت علی (ع) می‌فرماید: عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر در عاقبت کارهایش ببندیشد (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۸۴).

آثار آینده‌نگری از نگاه دین:

- | | |
|-----------------------|------------------------------|
| ۱- درست اندیشی | ۲- آمادگی رویارویی با مشکلات |
| ۳- پیش روی به سوی هدف | ۴- آرامش خاطر |
| ۱- ایجاد انگیزه | ۲- هدفمندی |
| ۳- هویت‌یابی | ۴- استفاده از فرصت‌ها |

رسانه‌های کمک آموزشی

لوح فشرده کتاب گویا و فیلم‌های آموزشی و تحلیلی روش تدریس

ارزشیابی

ارزشیابی شفاهی:

- خوانش صحیح شعر
- درک مفهوم ضرب‌المثل در این شعر
- بیان آرایه‌های موجود در شعر
- بیان پیام اصلی شعر
- ارزشیابی کتبی:
- املاي تقریری

ارزشیابی کیفی - فردی - کتبی

ابزار ارزشیابی: فعالیت یادگیری (تکلیف درسی)

مثال: معلم به عنوان تکلیف شب از دانش‌آموزان می‌خواهد که با افراد خانواده، دوستان و... مصاحبه کرده و از هر یک

بپرسند: «که از نظر آنها راز زندگی چیست؟» همه را جمع‌بندی کرده و به کلاس بیاورند.

فصل پنجم

نام آوران

درس دهم

رنج‌هایی کشیده‌ام که مه‌رس

اهداف آموزشی

- آشنایی دانش‌آموزان با زندگی نامهٔ دهخدا
 - ایجاد زمینهٔ مناسب برای استفاده از فرهنگ لغت
 - آشنایی دانش‌آموزان با جامع‌ترین فرهنگ نامهٔ فارسی، فرهنگ نامهٔ دهخدا
 - آشنایی با چگونگی جمع‌آوری لغت نامهٔ دهخدا
 - آشنایی با چگونگی امانت گرفتن کتاب از کتابخانه
 - آشنایی با نحوهٔ استفاده از لغت نامه
 - تقویت مهارت استفادهٔ صحیح از لغت نامه
 - تقویت مهارت نحوهٔ صحیح استفاده از فهرست موضوعی، فهرست پدید آورندگان، فهرست عناوین جهت جست‌وجوی کتاب در کتابخانه
 - مهارت خوانش صحیح شعر کهن (بخش پایانی درس)
- نگرش شبکه‌ای: در عرصه غنی ادبیات فارسی نام بلند دهخدا به‌عنوان نام‌آوری بلند آوازه با تألیف لغت نامه ارزشمند و گرانمایهٔ «دهخدا» تا همیشه باقی و جاودان است و فراز و فرود و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر وی تأییدی بر نام‌آوری این شخصیت بلندهمت می‌باشد.
- حُسن ختام درس شعری از حافظ است که تصویری از آخرین لحظات زندگی دهخدا را تداعی می‌کند.

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- بحث و گفت‌وگو
 - ۲- کارایی گروه
- یکی از بهترین روش‌ها برای تدریس این درس کارایی گروه می‌باشد. در بخش کارگاه نویسندگی می‌توان از روش قضاوت عملکرد استفاده کرد.

نکات مهم درس

* دانش‌آموزان از متن درس به مفاهیم زیر دست می‌یابند :

- پشتکار و اراده داشتن
- پاسداری از پایداری و جاودانگی زبان فارسی
- عشق به فرهنگ وطن
- خستگی‌ناپذیری بودن
- سخت‌کوش بودن
- علم‌اندوزی تا آخرین لحظات عمر

* درس «رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس» علی‌اکبر دهخدا و چگونگی جمع‌آوری لغت نامه دهخدا را به خوبی به فراگیران معرفی می‌کند.

* لغت نامه دهخدا یک واژه‌نامه عمومی است. این لغت نامه که در حکم دایرةالمعارف است، به همت استاد علی‌اکبر دهخدا و به کمک گروهی از متخصصان زبان و ادبیات فارسی گردآوری شده است.

در این لغت‌نامه واژه‌ها، اسامی، مکان‌ها، گیاهان، جانداران و... یک جا و براساس حروف الفبا مرتب شده‌اند. در ابتدای کتاب، جدولی مربوط به نشانه‌های اختصاری وجود دارد، به عنوان نمونه (ص) نشانه صفحه و (ا) نشانه اسم است. پس از نوشتن هر واژه، نشانه‌هایی آمده است که هر یک معنا و مفهوم خاص خود را دارد. در لغت نامه دهخدا، حد فاصل میان لغت‌نامه و دایرةالمعارف مشخص نشده است و از این رو هم در رده دایرةالمعارف و هم فرهنگ‌هاست. حدود نیمی از کتاب، لغات با معنی و شاهد و نیم دیگر آن اعلام تاریخی و جغرافیایی است.

این اثر حاوی کلیه لغات فرهنگ‌های خطی و چاپی فارسی است و در نقل آنها بسیاری از غلط‌های گذشتگان تصحیح شده است و بسیاری از لغات ترکی، مغولی، هندی، عربی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی و دیگر زبان‌های متداول در زبان فارسی نیز در این فرهنگ آمده است. برای صحیح خوانده شدن لغات در جلوی هر کلمه، حروف حرکت دار به کار رفته است که در ابتدای لغت‌نامه دهخدا معرفی شده‌اند.

لغت نامه بزرگ دهخدا در ۱۶ جلد به چاپ رسیده است.

* دایرةالمعارف : دایرةالمعارف‌ها از نظر سطح به چند دسته تقسیم می‌شوند :

۱- کودکان

۲- مدارس

۳- بزرگسالان

* از میان واژه‌نامه‌های فارسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

— دایرةالمعارف فارسی زیر نظر غلامحسین مصاحب، در ۳ جلد

— فرهنگ عمید، حسن عمید در سه جلد (شامل سه بخش لغات، نام‌ها، امثال و حکم شامل بیست و هشت هزار لغت)

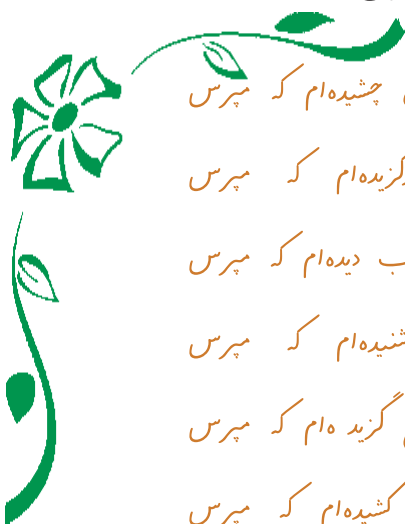
— برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی، در سال ۱۰۶۹ ق (شامل بیست هزار و دویست واژه)

— فرهنگ الفبایی — قیاسی، مهشید مشیری، انتشارات سروش (شامل چهل هزار واژه زبان فارسی معاصر)

— فرهنگ فرس اسدی، اسدی طوسی (کهن‌ترین فرهنگ لغت فارسی)

— فرهنگ آند راج، اثر محمد پادشاه متخلص به شاد، ۱۳۰۶ ق در ۶ جلد

* شعر پایانی درس، غزلی از حافظ است که به صورت کامل در ذیل آمده است :



درد عشقی کشیده‌ام که مپرس	زهر هجری چشیده‌ام که مپرس
گشته‌ام در جهان و آخر کار	دلبری برگزیده‌ام که مپرس
آنجنان در هوای خاک درش	می رود آب دیده‌ام که مپرس
من به گوش خود از زبانش دوش	سخنانی شنیده‌ام که مپرس
سوی من لب چه می‌گری که گوی	لب لعلی گزیده‌ام که مپرس
بی تو در کلبه گدایی خویش	رنج‌هایی کشیده‌ام که مپرس
همچو حافظ غریب در ره عشق	به مقامی رسیده‌ام که مپرس

شعر حاصل شور درون شاعر است که با کمک و با نیروی کلمات شکل می‌گیرد و بازتاب ندای درون شاعر در فضای شعر متجلی می‌شود.

دهخدا نیز در آخرین لحظات عمر خود به یاد سال‌ها زحمت و رنجی که در راه جمع‌آوری دایرةالمعارف کشیده است می‌افتد و به تناسب آن این شعر زیبای حافظ را بر زبان می‌راند.

دهخدا در این راه رنج‌ها و سختی‌هایی را تحمل کرده است که قابل وصف نیست. در تمام عمر خود کارهای زیادی انجام داده است و در آخر، کاری ارزشمند و جاودانه خلق کرده است که گفتنی نیست.

* شایسته است معلّمان، دانش‌آموزان را به کتابخانه ببرند تا آنها را از نزدیک با روش امانت گرفتن کتاب از کتابخانه آشنا سازند.

* ضرب المثل کار نیکو کردن از پر کردن است که در بخش کارگاه نویسندگی آمده است کاملاً با مفهوم و محتوای کلی

درس در ارتباط است. اصولاً مستعد و بی استعداد معنی ندارد. همه مستعد هستند منتها باید این استعدادها را به کار انداخت تا به هدف دست یافت، در هر صورت مفهوم کلی ضرب المثل این است که پیشرفت و موفقیت با تمرین و ممارست به دست می‌آید و کارهایی آنچنان شگرف از آن بر می‌آید که داستان شیرین و جذاب زیر از آن جمله می‌باشد.

در قسمت بهرام نامه یا هفت پیکر خمسة نظامی، آنجا که از داستان بهرام و کنیزک خود بحث می‌کند :

روزی بهرام گور ساسانی با کنیز خود به شکار رفت و گورخرهای زیادی صید کرد. با آن که تمام ملازمان به مهارت و استادی

بهرام در شکار گورخر آفرین‌ها گفتند ولی از کنیز صدایی برنیامد و در مدح و ثنای شاه ساسانی سخنی نگفت.

بهرام مدتی تأمل کرد تا گورخری از دور پیدا شده و آن گاه به کنیز گفت : «میل دارم این گورخر را به هر شکلی که تو بگویی

شکار کنم» کنیز گفت :

باید که رخ بر افروزی سر این گور در سمش بدوزی

یعنی باید با تیری سر و سم گورخر را به هم بدوزی. بهرام گور مهره‌ای در کمان نهاد و به دقت رها کرد تا در گوش گورخر جای گرفت، حیوان بیچاره سم پای راستش را برای خاراندن به گوش خود نزدیک کرد تا مهره را از گوش خود خارج کند. کنیزک

گفت که انسان در هر کاری اگر مداومت و ممارست کند مسلماً ورزیده و کار آزمون خواهد شد چه کار نیکو کردن از پر کردن است. شاه چون این سخن شنید خشمگین شد و به سرهنگ فرمان داد تا کنیز را گردن بزنند.

کنیز به حال تضرع درآمد و از سرهنگ خواست که در قتلش عجله نکند، بعید نیست، که شاهنشاه روزی از کرده خود پشیمان شود و تو را که بی تأمل اجرای فرمان کردی مورد خشم قرار دهد. اگر جانب احتیاط را رعایت کنی و مرا نکشی، قول می‌دهم کاری کنم و تدبیری بیندیشم که بهرام گور نه تنها خشمگین نشود، بلکه تو را بیشتر از پیش مورد تفقد قرار دهد.

سرهنگ پیشنهاد کنیز را پذیرفت و او را در قصری که در خارج از شهر بود سکونت داد تا پنهانی در زمره خدمت کاران کار کند و هویتش را مکتوم دارد. این قصر سر به فلک کشیده شصت پله داشت و کنیز از همان روزهای نخست گوساله‌ای را که تازه از مادر زاییده شده بود بر دوش می‌گرفت و روزی چند بار به بالای قصر می‌برد و پایین می‌آورد. گوساله بر اثر گذشت زمان بزرگ می‌شد، ولی چون به دوش کشیدن و بالا بردن آن، همه روزه چندین بار، تمرین و تکرار می‌گردید، لذا رشد تدریجی گوساله تأثیری در دشواری حمل آن نداشت.

کنیز چون موقعیت را مناسب دید به سرهنگ گفت که بهرام گور را به این باغ و قصر شصت پله بیاورد. سرهنگ چنان کرد و روزی بهرام را که به شکار گورخر می‌رفت، برای چند دقیقه استراحت و تمدد اعصاب به باغ و قصر زیبایش دعوت کرد و مخصوصاً داستان کنیز و بر دوش کشیدن گاو عظیم الجثه و بالا بردن از قصر شصت پله را شرح داد تا شاهنشاه ساسانی را تمایل و رغبت تماشای این صحنه دست دهد.

پس بهرام گور به باغ آمد و کنیز در حالی که روی خود پوشانده بود در مقابل ابهت و اعجاب بهرام و ملازمانش گاو را بر دوش گرفت و بدون ذره‌ای احساس خستگی و ملالت خاطر آن را از شصت پله به بالای قصر برد و بازگردانید.

بهرام به روی خود نیاورد و گفت: «می‌دانم چگونه به این عمل خطیر و شگرف دست یافتی. این گاو را از زمانی که گوساله‌ای نوزاد بود بر دوش گرفتی به بالای قصر بردی و چون در این کار از تمرین و مداومت دست نکشیدی لذا رشد گوساله در توانایی تو خللی وارد نساخته است، وگرنه خود بهتر می‌دانی که این از قدرت و زورمندی نیست بلکه مولود تعلیم و تمرین و مداومت می‌باشد.»

کنیز که به انتظار چنین استدلالی دقیقه شماری می‌کرد، بدون تأمل و در لفافه طنز و تعریض جواب داد: «شهریارا، اگر زن ضعیف الجثه گاوی را بر دوش بگیرد و به بالای قصر شصت پله‌ای ببرد اعجاب و شگفتی ندارد و به دلیل تمرین و ممارست است ولی اگر شاهنشاه سم و گوش گورخری را به هم بدوزد نباید نام تعلیم و ممارست بر آن نهاد؟!»

بهرام گور فوراً دریافت که این همان کنیز است. پس از آنچه گذشت عذر خواست و سرهنگ را نیز که در قتل کنیزک شتاب زده عمل نکرده بود، مورد تفقد و نوازش قرار داد.

از آن تاریخ، عبارت «کار نیکو کردن از پر کردن است» که از واقعه شیرین و جذاب بهرام گور و کنیز ریشه و مایه گرفته است، به صورت ضرب المثل درآمده و مورد استناد و تمثیل قرار گرفته است.

ارزشیابی

- خوانش صحیح متن
- تهیه گزارش درباره زندگی و لغت نامه دهخدا
- مشاهده رفتار هنگام انتخاب کتاب از کتابخانه توسط دانش آموزان
- ارزشیابی کیفی – کتبی (فردی یا گروهی)

آزمون عملکردی (شناسایی)

مثال : چون این درس بیشترین تعداد کلمات با ارزش املائی را به خود اختصاص داده است، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد این کلمات را از درس استخراج کرده و فهرست نمایند.

رسانه‌های کمک آموزشی

۱- تصاویری از علی اکبر دهخدا، دکتر محمد معین

۲- فایل الکترونیک لغت نامه دهخدا

۳- کتاب داستان امثال دکتر حسن ذوالفقاری

در بخش بخوان و حفظ کن نمونه‌هایی از دوبیتی‌ها و رباعی‌ها آمده است.

- رباعی : شعری چهار مصرعی است که مصراع سوّم آن معمولاً قافیه ندارد. درون مایه رباعی بیشتر عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است. این نوع شعر مناسب‌ترین قالب برای ثبت لحظه‌های کوتاه شاعرانه است و در همه دوره‌ها رواج داشته است. رباعی قالب خاصّ زبان فارسی است و خیّام، عطار، مولوی و بابا افضل سرایندگان نامدار رباعی‌اند.
- دوبیتی : شعری است مشتمل بر دو بیت که گاه مصراع سوّم آن قافیه ندارد. بیشتر درون مایه‌ای عاشقانه و عارفانه دارد و رایج‌ترین قالب در میان روستاییان است. بابا طاهر و فائز معروف‌ترین شاعران دوبیتی‌گو هستند. دوبیتی وزن خاص دارد و از این نظر با رباعی متفاوت است.

درس یازدهم

عطار و جلال الدین محمد

اهداف آموزشی

- آشنایی دانش آموزان با داستانی از کودکی مولانا
- ایجاد علاقه در فراگیران به علم اندوزی
- آشنایی دانش آموزان با مثنوی
- آشنایی فراگیران با کتاب های مولانا
- آشنایی فراگیران با قافیه
- تقویت روحیه همکاری در فراگیران
- تقویت تفکر خلاق و انتقادی
- تقویت تصویرسازی ذهنی در دانش آموزان
- آشنایی با نحوه تهیه گزارش در مصاحبه کردن

● **نگرش شبکه ای :** این درس به معرفی مولانا و پدرش که در پرورش وی نقش بسزایی داشته، پرداخته است. همچنین تصویر روشنی از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری را بر خواننده عرضه می کند. معرفی این بزرگان ارتباط کامل و جامعی با عنوان فصل برقرار می کند.

در بخوان و بیندیش فصل، یادآوری نام ابوعلی سینا به عنوان حکیم بلند مرتبه ایرانی نیز نظام پیوستاری با عنوان فصل را حفظ می کند.

روش های پیشنهادی تدریس

- ۱- ایفای نقش
- ۲- کارایی گروه
- ۳- پیش سازمان دهنده
- ۴- نقشه ذهنی

● **روش کاربردی ایفای نقش :** به تعداد شخصیت های داستان، از میان دانش آموزان، افرادی مشخص شوند تا به ایفای نقش بپردازند. (می توان از شخصیت های فرعی برای این قسمت بهره گرفت. تعدادی از دانش آموزان می توانند با حرکات بدن خود

بخش‌هایی از صحنه را بازسازی کنند. به عنوان مثال با حرکت دست خود دروازه شهر را نشان دهند یا برخی از آنان آواها و صداهایی را تولید کنند.)

می‌توان با بهره‌گیری از امکانات ساده، شخصیت‌ها را حسی‌تر و ملموس‌تر ساخت، مثلاً با استفاده از صورتک‌ها، عکس‌ها و... این کار امکان‌پذیر است.

مناسب‌تر است که هر یک از شخصیت‌ها بخش مربوط به خود در داستان را حفظ کنند یا درس را به صورت نمایشنامه درآورده و سپس نمایش آن را بازی کنند.

نکات مهم درس

درس عطار و جلال الدین در فصل آداب زندگی قرار دارد. از آنجایی که علاقه به علم اندوزی و ارج نهادن به دانش یکی از این آداب می‌باشد، در این فصل قرار گرفته است.

وقتی که عطار کتاب اسرارنامه را به مولانا هدیه می‌دهد و مولانا غرق در خواندن کتاب می‌گردد، هدفی والا را به دنبال دارد، به این معنا که به فراگیران می‌آموزد تا از همین آغاز به اندوختن دانش علاقه نشان دهند.

حکایت و شعر درخت بقا نیز در ارتباط با مفهوم کلی درس عنوان شده است.

دانش اندوزی و ارج نهادن به دانش و دانشمندان از آموزه‌های مهم دین است که در کلام پیامبر (ص) و امامان (ع) و به‌طور روشن و بارز در قرآن مجید بارها مطرح گردیده است.

طلب علم، فریضه و جست و جوی علم، هر چند در دورترین نقاط باشد، واجب است. علم را حتی در ژرفای اقیانوس‌ها یا اوج آسمان‌ها باید یافت، هر چند با رنج، درد و دشواری باشد. ارزش دانش آن‌چنان مهم است که خالق یکتا به قلم و مرکب قسم خورده است: «نون و القلم و مایسطرون»

سخنانی از بزرگان در مورد علم

● پیامبر اکرم (ص): اگر می‌دانستید در دانش چه فوایدی است به دنبالش می‌رفتید اگرچه با ریختن خون خود و یا فرورفتن در دریاها همراه باشد.

می‌کوش به هر دلق که خوانی کان دانش را تمام دانی

● افلاطون: لذتی که از علم و دانش حاصل می‌شود بالاترین لذت‌هاست.

● آلبرت آاینشتین: همه چیز چون بسیار شود خوار و ارزان گردد مگر علم و دانش که هر چه بیشتر شود، عزیزتر شود.

شعر پایان درس، مثنوی زیبایی از مولاناست

● مثنوی: قالب شعری است که هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد و برای سرودن داستان‌ها و مطالب طولانی مناسب است. نام دیگر مثنوی «دوگانی» است.

واژه مثنوی از کلمه «مثنی» به معنی دوتایی گرفته شده است.

مثنوی را می‌توان به شکل زیر تصویر کرد:

▲.....	▲.....
●.....	●.....
□.....	□.....

مثنوی از قدیم‌ترین قالب‌های شعر فارسی و خاص‌ زبان فارسی است و در همهٔ ادوار از آن استفاده می‌شده است. «کلیله و دمنه»، منظوم رودکی و «آفرین‌نامه» ابوشکور بلخی از اولین مثنوی‌های شعر فارسی دری است. فردوسی، نظامی، عطار، سنایی، سعدی، مولوی و جامی از مثنوی سرایان بنام گذشته و پروین اعتصامی و شهریار از مثنوی سرایان معاصرند.

نقشهٔ ذهنی

نقشهٔ ذهنی چیست؟

نقشه ذهنی، نموداری درختی است که برای بیان کردن کلمات، ایده‌ها، فعالیت‌ها یا موارد دیگر مربوط به یک کلید واژه یا ایده مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نمودار برای تولید، سازماندهی و ساختاردهی ایده‌ها و افکار به کار بسته می‌شود و در حل مسئله، فرایند تصمیم‌گیری و نوشتن می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. عناصر یک نقشه ذهنی به صورت ادراکی و براساس اهمیت مطالب در قالب گروه‌ها، شاخه‌ها و قسمت‌های متفاوت قرار می‌گیرند.

نقشه ذهنی چگونه شکل می‌گیرد؟

نقشه ذهنی مجموعه‌ای از اشکال هندسی یا نمودار (دیاگرام) برای نمایش کلمات، ایده‌ها، فعالیت‌ها و موارد دیگر است که حول یک نقطه مرکزی یا کلمه کلیدی به طور محوری کشیده می‌شود.

فواید/استفاده از نقشهٔ ذهنی:

۱- نقشه ذهنی برای ایجاد، تصویرکردن، ساختاردهی و طبقه‌بندی ایده‌ها در زمینه مطالعه و تحقیق، حل مسئله و تصمیم‌سازی کاربرد دارد.

۲- با استفاده از نقشه ذهنی می‌توان به سرعت، ساختار یک موضوع را شناسایی نمود.

۳- می‌توان ارتباط بین اجزای سازنده موضوع را درک کرد.

۴- با این روش، ارتباط و پیوندها مشخص‌تر می‌شود و دانش‌آموز با فراگیری کلمات و جملات کلیدی می‌تواند مضمون درسی را بهتر و عمیق‌تر درک کند.

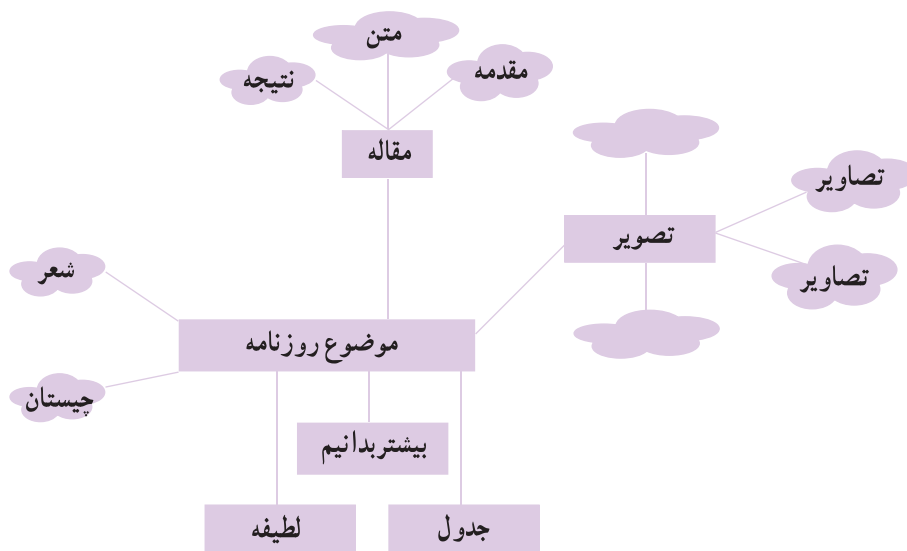
۵- نقشهٔ ذهنی با ارائه کردن یک نمای شعاعی، شکلی و غیرخطی، مغز را در ضمن تلاش برای حل مسئله و فعالیت‌های سازمان‌دهی، به سمت بارش فکری هدایت می‌کند.

۶- نقشه‌های ذهنی را می‌توان برای مرور حافظه نیز به کار بست.

از آنجایی که موضوع کارگاه نویسندگی، تهیهٔ روزنامه دیواری است، نقشهٔ ذهنی به عنوان روشی مناسب برای تهیهٔ روزنامه دیواری پیشنهاد می‌گردد.

نقشهٔ ذهنی یکی از روش‌های مهم است که دانش‌آموزان از آن استفاده می‌کنند. در این روش، آنان نموداری رسم کرده و به آن با کلمات یا جملات کلیدی شاخ و برگ می‌دهند. یکی از روش‌های آسان و مشهور نقشهٔ ذهنی، قرار دادن یک دایره در مرکز است. به این دایره، دایرهٔ مرکزی می‌گویند که موضوع اصلی درس در آن نوشته می‌شود.

در اطراف دایرهٔ مرکزی باید دایره‌های دیگر یا اشکال دیگر رسم کرده و کلمه‌ها و جمله‌های کلیدی را در این دایره قرار داد. اگر موضوع ادامه دار بود، می‌توان در امتداد هر دایره‌ای، دایره‌های دیگر رسم کرد و کلمات و جملات کلیدی مربوط را در آن قرار داد.



برای ایجاد نقشه ذهنی می‌توان گفت که قوانین مشخصی وجود ندارد که حتماً باید از آنها پیروی کرد چرا که خود فرایند ایجاد نقشه ذهنی، روندی خلاقانه برای افزایش میزان تفکر خلاقانه است.

برای ساختن یک نقشه ذهنی، در ابتدا باید موضوع درسی مشخص باشد. می‌توان نقشه ذهنی را با شکل و سیمای بهتر بنا به سلیقه خود درست کرد. حتی می‌توان در برخی موارد به جای استفاده از کلمات و جملات کلیدی، از عکس و تصویر استفاده کرد.

چند نکته برای تهیه نقشه ذهنی:

- ایده اصلی را در مرکز صفحه قرار دهید و بهتر آن است که به جای نوشتار از تصویر آن استفاده کنید.
- از فضای کافی استفاده کنید تا بتوانید موارد جدید را در آینده اضافه کنید.
- از رنگ‌ها برای ادراک بهتر استفاده کنید.
- ارتباطات بین عوامل مختلف را بیابید.

امروزه نرم افزاری به نام (I mind Mappro) مخصوص ایجاد نقشه ذهنی طراحی شده است.

حکایت درخت علم



این حکایت به اهمیت علم اندوزی برای جاودانگی اشاره دارد. در ارتباط با اهمیت پیام حکایت به فرمایش حضرت علی (ع) بسنده می‌کنیم: ثروت اندوزان بی تقوا، مرده؛ اگر چه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان، تا دنیا برقرار است، زنده‌اند، بدن‌هایشان اگر چه در زمین پنهان، اما یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است. (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۶۶۱ و ۶۶۲)

■ معنی و مفهوم ابیات حکایت درخت علم

بیت اول: *شیخ خندید و بگفتش ای علیم این درخت علم باشد ای سلیم*

توجه: در این بیت عنصر طنز، به کار گرفته شده است و در سخن شیخ، نیش و ریشخندی نهفته است. به همین سبب واژه‌های «علیم و سلیم» هر دو بار معنایی طنزآمیزی دارند و در معنای وارونه خود به کار رفته اند یعنی آدم نادان و ناسالم، کسی که سلامت عقلی ندارد. امروزه هم از این شیوه در زبان کاربردی ما استفاده می‌شود؛ مثلاً وقتی کسی کار خطایی انجام داد، به طعنه می‌گوییم: ای آدم عاقل این چه کاری بود! (= ای آدم بی‌خرد...)

● بیت دوم :

تو به صورت رفته ای، ای بی خبر زان ز شلخ معنی ای، بی بار و بر

یعنی : ای انسان بی خبر تو تنها به ظاهر توجه کرده ای و بنابراین از حقیقت آگاه نیستی و از معرفت بویی نبرده ای.

● بیت سوم :

گه درختش نام شد، گاه آفتاب گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب

علم گاهی درخت علم، گاهی آفتاب علم و گاهی دریای علم و گاهی ابر علم نام می گیرد.

● بیت چهارم :

آن یکی کش صد هزار آثار خاست کم ترین آثار او عمر بقاست

آن کسی که آثار زیادی از او پدید آمده است (یک چنین انسانی که صاحب نعمات و صاحب آثار است)، کم ترین اثر چنین انسانی رسیدن به جاودانگی است.

■ قافیه : در پایان ابیات کلماتی قرار می گیرند که یک یا چند حرف آخرشان همانند است. به این کلمات، کلمات قافیه می گویند.

قافیه در تأثیر بخشی و زیبایی شعر نقشی بسزا دارد و از مهم ترین تأثیرات آن تکمیل وزن است. یعنی آهنگ برخاسته از وزن را تکمیل می کند و در هر بیت مانند نشانه ای، پایان یک قسمت و شروع قسمت دیگر را نشان می دهد.

رسانه های آموزشی

- فایل صوتی خوانش صحیح حکایت و شعر پایان درس
- نسخه الکترونیک مثنوی مولوی
- تصاویر مربوط به مولانا، عطار و دیگر شاعران
- آلبوم عکس

ارزشیابی

- شفاهی : ارزشیابی از خوانش صحیح متن و شعر
- کتبی : انجام تمرینات و برگه ارزشیابی
- مشاهده رفتار
- ارزشیابی کیفی - فردی

ابزار ارزشیابی

فهرست واری (چک لیست)

مثال : معلم ۱۲ گویه قابل فهم و ساده بر اساس فهرستی از مفاهیم، مهارت ها، فرایندها و یا نگرش ها تهیه نموده و روند کار دانش آموزان را در خصوص کلیه فعالیت های این درس ثبت می کند.

فصل ششم

ایران من

درس دوازدهم

ای وطن

اهداف آموزشی

- ۱- تقویت حس وطن پرستی در فراگیران
 - ۲- آشنایی با نمونه برجسته‌ای از شعر شاعر معاصر (نادر ابراهیمی)
 - ۳- تقویت روحیه پاسداری از میهن
 - ۴- تقویت مهارت تشخیص منادا و ندا و نشانه‌های آن
 - ۵- تقویت مهارت خوانش صحیح شعر
 - ۶- تقویت مهارت درست خوانی با رعایت تکیه‌گاه‌های آوایی
 - ۷- توانایی دریافت پیام محوری متن
- نگرش شبکه‌ای : شاعر با قلم توانمند خود به توصیف شکوه و جاودانگی سرزمین پاک ایران و بزرگان این مرز و بوم پر گهر می‌پردازد و غم و شادی و احساس درونی خود را صادقانه به وطن خود تقدیم می‌دارد.
- این شعر، با عنوان فصل همگون و متناسب است.

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- روش قصه‌گویی : برای ایجاد انگیزه در آغاز درس با این روش و بیان یک قصه مرتبط با پیام درس می‌توان انگیزه لازم را در دانش‌آموزان ایجاد کرد و ارتباط مناسب جهت گوش سپردن به بقیه مطالب را به وجود آورد. می‌توان از داستان‌هایی مانند داستان آرش کمانگیر، آریوبرزن و... بهره گرفت.
- ۲- روش حل مسئله : در ضمن استفاده از روش قصه‌گویی، با استفاده از روش حل مسئله می‌توان زمینه را جهت ابراز احساسات و عواطف دانش‌آموزان ایجاد کرد، به این ترتیب که در ضمن بیان قصه در مواردی که قهرمان داستان قرار است تصمیم‌گیری مهمی کند یا مشکلی را حل نماید، به جای بیان ادامه داستان، از دانش‌آموزان بخواهیم بقیه داستان را ادامه دهند.
- ۳- روشن‌سازی طرز تلقی : متنی با جملات ناقص درباره پیام درس (یعنی وطن دوستی و پاسداری از وطن) بیان شود و دانش‌آموزان با تکمیل متن، طرز تلقی خود را ارائه دهند، سپس دانش‌آموزان به صورت گروهی طرز تلقی خود را ارزیابی کنند.

نکات مهم درس

— آغازگر فصل، ایران من، شعر زیبایی از مرحوم نادر ابراهیمی است تا عشق به وطن و پاسداری از آن را در فراگیران زنده کند.
— در تمامی مصراع‌های درس از تشبیه‌های به جا و مناسب به منظور نشان دادن علاقه و عشق به وطن و وطن دوستی بهره گرفته شده است.

● تشبیه: یعنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر که به جهت داشتن صفت یا صفاتی با هم مشترک باشند.

در مصراع‌هایی مانند همچو رویش در بهاران، همچو جان در هر بدن

مثل بوی عطر گل‌ها، مثل سبزی چمن

و طن به رویش در بهاران، جان در بدن عطر گل‌ها و سبزی چمن تشبیه شده است.

— شعر ای وطن تصنیفی است که در قالب ترجیع بند سروده شده است.

● تصنیف: کلامی موزون است که همراه با آهنگ خوانده می‌شود. از تصنیف تعاریف گوناگونی ارائه شده است که از آن جمله: سخنانی شعر مانند، مرکب از قسمت‌های مساوی یا نامساوی اغلب دارای قافیه و وزن عروضی و گاه بدون آن، که معمولاً همراه موسیقی خوانده می‌شود. امروزه این گونه سخنان را «ترانه» نیز می‌خوانند.

● ترجیع بند: از چند قطعه شعر تشکیل شده است که هر کدام از این قطعه‌ها دارای وزن و قافیه یکسان هستند و در آخر هر رشته شعر یک بیت یکسان با قافیه‌ای جداگانه تکرار می‌شود.

— حدیثی که از حضرت علی (ع) آمده است: شهرها با حب وطن آباد می‌شود بیانگر این است که دین اسلام نیز برای وطن دوستی ارزش و اهمیت فراوانی قائل است.

احادیث دیگری نیز درباره وطن دوستی وجود دارند. همچنین در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که درباره وطن به نحوی سخن می‌گویند. این آیات به چند دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته آیاتی هستند که احترام به وطن را کاملاً تأیید می‌کنند. و دسته دیگر آیاتی که به صورت غیر مستقیم محبوبیت وطن را گوشزد می‌کنند.

● منادا

— هر گاه کسی یا چیزی را با آهنگی خاص مورد خطاب قرار بدهیم، به آن منادا گویند. مثال: سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز.

— منادا معمولاً با حرف ندا همراه است. (ای، یا، آی، الف): ای ایران، دوستت دارم. خدایا، مرا در زندگی موفق بگردان.

— گاهی منادا بدون حرف ندا می‌آید: نیما، غم دل گو که غریبانه بگویم.

— گاهی حرف ندا وجود دارد ولی منادا حذف شده است:

ای نام تو بهترین سر آغاز، (ای خدا، نام تو بهترین سر آغاز است)

بیشتر بدانیم

● شناخت نامه نادر ابراهیمی: نادر ابراهیمی در [چهاردهم] فروردین ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به درجه لیسانس رسید.

ارائه فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب «این مشغله» و «ابوالمشاغل» ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است از جمله شغل‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مترجمی

و ویراستاری، ایران شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، خطاطی، نقاشی تدریس در دانشگاه‌ها و...

نوشتن را از ۱۶ سالگی آغاز کرد در سال ۱۳۲۴ نخستین کتاب خود را با عنوان «خانه‌ای برای شب» به چاپ رسانید که داستان «دشنام» در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که در برگیرنده داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آنکه چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده است.

— تألیفات برای کودکان : کلاغ‌ها (جایزه اول فستیوال کتاب‌های کودکان توکیو ژاپن، جایزه اول — سبب طلایی — براتیسلاوا، جایزه اول تعلیم و تربیت از یونسکو)، سنجاب‌ها، دور از خانه (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک)، قصه گل‌های قالی، پهلوان پهلوانان، پوریای ولی (جایزه بزرگ جشنواره کتاب کودک کنکور نوما، ژاپن)، باران — آفتاب و قصه کاشی، بزی که گم شد، من راه خانه را گم کرده‌ام، سفرهای دور دنیا از هانی و کانی در وطن، پدر چرا توی خانه مانده است (از مجموعه قصه‌های انقلاب برای کودکان)، جای او خالی (همان)، نیروی هوایی (همان).

وی پس از سال‌ها تلاش در پهنه سینما و ادبیات، سرانجام در سن ۷۲ سالگی در سال ۱۳۸۷ رخ بر نقاب خاک کشید.
نمونه دیگری از تصنیف نادر ابراهیمی درباره وطن :

سفر به خاطر وطن

ما برای پرسیدن نام گلی ناشناس

چه سفرها کرده‌ایم، چه سفرها کرده‌ایم

ما برای پرسیدن خاک سر قلعه‌ها

چه خطرها کرده‌ایم، چه خطرها کرده‌ایم

ما برای آنگه ایران گوهری تابان شود

خون دل‌ها خورده‌ایم

خون دل‌ها خورده‌ایم

ما برای آنگه ایران

خانه خوبان شود

رنج دوران برده‌ایم

رنج دوران برده‌ایم

ما برای پرسیدن بوی گل نستر

چه سفرها کرده‌ایم، چه سفرها کرده‌ایم

ما برای نوشیدن شورابه‌های کویر

چه خطرها کرده‌ایم، چه خطرها کرده‌ایم

ما برای خواندن این قصه عشق به خاک

خون دل‌ها خورده‌ایم

خون دل‌ها خورده‌ایم

ما برای جاودانه ماندن این عشق پاک

رنج دوران برده‌ایم

رنج دوران برده‌ایم



حکایت علم و عمل

به داشتن آگاهی و دانش همراه با عمل تأکید دارد که این دو در کنار هم ارزشمند و سودمند هستند و مکمل یکدیگرند. علم مورد تأیید سعدی، علم همراه عمل است. علم و دانش بشری زمانی برای جامعه و مردم سودمند و مفید است که با عمل و اجرا همراه گردد. یعنی عالم به علم و دانسته‌های خود عمل کرده و آن را با اشتیاق به دیگران نیز بیاموزد.

رسانه‌های آموزشی

- CD خوانش تصنیف ای وطن
- فایل الکترونیک داستان‌های نادر ابراهیمی

ارزشیابی

- تهیه گزارش از زندگی نادر ابراهیمی
- خوانش صحیح شعر
- یافتن منادا و حروف ندا از درس
- تشخیص و شناسایی تشبیه
- ارزشیابی کیفی - گروهی

ابزار ارزشیابی

آزمون عملکردی (نمونه کار)

مثال : در این شیوه از شاگردان خواسته می‌شود حاصل فعالیت عملی خود را با موضوع «میهن» در قالب روزنامه دیواری ارائه دهند.





درس سیزدهم

درس آزاد

برای آشنایی با چگونگی آموزش و ارزشیابی این درس و تولید اجرای آن به درس هشتم مراجعه شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس چهاردهم

دریا قلی

اهداف آموزشی

— آشنایی با یکی از دلیر مردان گمنام ایرانی

— تقویت روحیه دلاوری

— تقویت روحیه مقاومت و پایداری

— آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم نقاط مختلف ایران

— تقویت مهارت بهره گیری صحیح علایم سجاوندی در نگارش متن

— تقویت مهارت خوانش صحیح شعر (بخش میانی درس)

● **نگرش شبکه‌ای :** پاسداری از عزت و کیان ایران، حسی عمیق و ژرف در وجود هر ایرانی پاک نهاد است. و نقل داستان

دریا قلی، غیور مرد عرصه دفاع مقدس که با ایثار جان خود، به پاسداشت وطن پرداخته است. ارتباط معناداری با فصل تحت عنوان

«ایران من» برقرار می‌کند و اندیشه هر ایرانی غیرت مند را به تحسین و کرنش فرا می‌خواند.

وجود شعر بخوان و بیندیش با عنوان وطن در این فصل به غنای محتوایی آن می‌افزاید.

انتخاب و متن بخوان و بیندیش «همه جای ایران، سرای من است» با روایی موضوعی، اهداف فصل را پوشش می‌دهد.

روش‌های تدریس پیشنهادی

کارایی گروه

روش بحث گروهی

روش ایفای نقش

روش ایفای نقش (نمایش نامه) : در صورتی که معلم یا دانش‌آموزان بتوانند بر اساس متن درس سناریویی را تنظیم کنند

می‌توان از روش ایفای نقش استفاده کرد.

جدول نشانه‌های نگارشی

ردیف	نشانه	نام	موارد کاربرد
۱	.	نقطه	۱- در پایان همه جمله‌ها به جز جمله‌های پرسشی و تعجبی : هوا ابری است. شاید درک این مسئله دشوار باشد. او هیچ گاه به آن شهر باز نگشت. ۲- پس از حرف یا حروفی که به صورت نشانه اختصار به کار رفته باشد : شیخ ما (ره) به نیشابور مجلس می‌گفت.
۲	،	ویرگول	۱- میان جمله‌های مستقل که در مجموع جمله کامل می‌سازند : او با تلاش زیادی که کرد، به مقصود رسید. ۲- پس از منادا : خدایا، مرا عفو کن. ۳- هر جا واژه یا عبارتی به عنوان بدل در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده شود : اخوان ثالث، شاعر معاصر، سراینده شعر معروف «خوان هشتم» است. ۴- بین واژه‌های همپایه به جای «و» می‌آید : فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ از بزرگان شعر فارسی هستند. ۵- بین دو واژه که ممکن است خواننده آنها را با کسره اضافه بخواند : مادر، حسن را به سوی خود خواند. ۶- به جای مکث کوتاه در جمله : اگر شب‌ها همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی.
۳	:	دو نقطه	۱- قبل از نقل قول : صاحب نظران آموزشی می‌گویند : «شرط درست نوشتن، درست فهمیدن است». ۲- هنگام برشمردن اجزای یک چیز : اساس نگارش خوب، دانستن و رعایت چند نکته است : چشم باز، گوش شنوا، دقت و... ۳- مقابل واژه‌هایی که می‌خواهیم آنها را معنی کنیم : نفوذ : فرورفتن
۴	؟	علامت سؤال	۱- در پایان جمله‌های پرسشی : آیا تاکنون فکر کرده‌اید که هزاران ماده نگارشی پیش روی شماست ؟ ۲- برای نشان دادن مفهوم تردید : وفات حافظ در سال ۷۲۱ (؟) اتفاق افتاد. ۳- برای نشان دادن مفهوم استهزا : او نابغه (؟) است.
۵	!	علامت تعجب	۱- در پایان جمله‌های تعجبی، تأکیدی، عاطفی : عجب روزگاری است ! ۲- پس از اصوات : هان ! ای دل عبرت بین.
۶	(۰)	گیومه	۱- سخنی که به طور مستقیم از جایی یا کسی نقل می‌شود : به قول سعدی : «بنیاد ظلم در جهان اندک بود، هر کس چیزی بدان مزید کرد، تا بدین غایت رسید». ۲- اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی یا فنی (فقط بار اول) : «فضا سازی» در آغاز، میانه یا پایان نوشته نقش مهمی ایفا می‌کند.
۷	:	نقطه ویرگول	۱- برای جدا کردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم مستقل به نظر می‌رسند ولی در یک عبارت طولانی، با یکدیگر بستگی معنایی دارند : برای نگارش گزارش خوب باید فکر کرد؛ منابع را جمع‌آوری کرد؛ فهرست‌ها را تنظیم کرد و... ۲- در بیان توضیح و مثال پیش از واژه‌های مثلا، فرضا؛ یعنی و... صور خیال؛ یعنی کاربرد عناصر و آرایه‌های خیال انگیز مثل استعاره، تشبیه و...

● **توصیف:** یکی از رایج‌ترین راه‌های پرورش مطلب است که در انواع نوشته‌های علمی و ادبی کاربرد دارد. در هر وصفی به گنجینه‌ای از واژگان متناسب نیازمندیم. علاوه بر این، استفاده درست از هر گونه صفت، فعل و قید مناسب برای توصیف دیده‌ها و شنیده‌ها ضروری است. نوشتن تمام جزئیات در توصیف لازم نیست بلکه باید به آن دسته از جزئیات پرداخته شود که به روشن شدن مقصود کمک می‌کند. علاوه بر موارد فوق، عنصر خیال نیز در توصیف، نقش اساسی ایفا می‌کند. داشتن دید ظریف و موشکافانه به عبارتی داشتن هنر مشاهده، نویسنده را در توصیف خوب یاری می‌کند.

● **نمونه‌هایی از توصیف:** در این مغازه «زمان» به ده‌ها لحن و در آهنگ ده‌ها ساعت کوچک به بزرگ سخن می‌گفت. برخی از ساعت‌ها چنان که برازنده سنّ شان بود، شمرده شمرده و موقّر و بعضی تند و ناشمرده همه، در همسرای بی‌غرنجی صدا به صدای هم می‌دادند و با تیک تاک خویش لحظات را بدرقه می‌کردند. پس صدای پای جوانکی که در پیاده‌رو می‌دوید این اصوات را تحت الشعاع قرار داد. شمع بر پیشخوان بود، شعله‌اش بر اثر جریان هوا به این سو آن سو می‌رفت و این حرکت ناچیز، اتاق را از هیاهو و جنبشی بی صدا می‌انباشت...

(مارک‌هایم - رابرت لویی استیونسن)

بیشتر بدانیم

دریا قلی که بود و چه کرد؟ دریا قلی سورانی متولد سال ۱۳۲۴ هجری شمسی یکی از اهالی آبادان بود. در جریان تازش عراق به ایران در ۲۰ کیلومتری آبادان متوجه تحرّکات شبانه عراقی‌ها برای حمله غافلگیرکننده به این شهر شده و به سرعت با دوچرخه خود را به آبادان رسانده و با فریاد، مردم را از ماجرا آگاه ساخت. مردم با شنیدن فریادهای التماس گونه‌ او، از خانه بیرون آمدند و با هر چه در دست داشتند به سمت منطقه ذوالفقاری حرکت کردند. سورانی سپس پیاده به سمت مقر سپاه دویده و نیروهای خودی را از حمله عراقی‌ها آگاه کرد و وی در کشاکش این ماجرا، بر اثر ترکش خمپاره مجروح و در راه بیمارستان در قطار شهید می‌شود. با مقاومت مهم مردم، نیروهای عراقی در تصرف آبادان ناکام مانده و مجبور به عقب نشینی شدند. اگر هشیاری، عزم و دلیری این مرد گمنام نبود کسی نمی‌داند چه رخدادهای تلخی پیش می‌آمد و چه سرانجام و سرنوشتی برای مردم ایران رقم می‌خورد.

— محمدرضا ترکی: دکترای زبان و ادب فارسی، استاد دانشگاه تهران است.

— محمد بهمن بیگی: داستان «همه جای ایران سرای من است» داستان کوتاهی است از محمد بهمن بیگی.

* بهمن بیگی در سال ۱۲۹۹ در خانواده محمود خان در ایل قشقایی به هنگام کوچ دیده به جهان گشود. از هشت سالگی نزد منشی پدر درس خواند. پدر و مادر محمد در ده سالگی‌اش تبعید شدند. وی به تهران آمد و در مدرسه علمیّه تهران مشغول تحصیل شد و پس از پایان دوره دبیرستان به دانشگاه حقوق رفت. وی کوشش خود را برای برپایی مدرسه‌های سیّار برای بچه‌های ایل آغاز کرد و با پیگیری خود توانست برنامه سوادآموزی عشایر را به تصویب برساند. او توانست نخستین مرکز تربیت معلّم عشایری را بنیان کند. بهمن بیگی به جهت کوشش پیگیر خود در راه سوادآموزی به هزاران کودک ترک، لر، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن برنده جایزه سوادآموزی سازمان یونسکو شد. او تجربه‌های آموزشی خود را در قالب چند کتاب داستان به نگارش در آورده است.

بخوان و ببیندیش



همه جای ایران سرای من است

پیام داستان: همگی ما فرزندان مام میهنیم و در هر جای ایران پهناور که باشیم، به هر زبانی که سخن بگویم و هر آداب و سننی که داشته باشیم، در دامن این سرزمین بزرگ و پهناور پرورش یافته‌ایم و شایسته است که زیبایی، بزرگی و عظمت میهن عزیزمان

نسیم خراسان

هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد
دل مجروح مرا مرهم راحت سازد
گویی از مجمر دل آه اویس قرنی
بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم
یا سوی آدم سرگشته رفته ز بهشت
در نوا آیم چون بلبل مستی که صباش
جان پرافشانم صد ره چو یکی پروانه
رقص درگیرم چون ذره که صبح صادق
شادمان گردم چون دلشده‌ای کز زاریش
چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
جان پردرد مرا مایه درمان آرد
به محمد نفس حضرت رحمان آرد
باد گویی که سوی پرغم کنعان آرد
روح قدسی مدد روضه رضوان آرد
خبر از ساغر می‌گون به گلستان آرد
که شبی پیش رخ شمع به پایان آرد
نزد او مژده خورشید درفشان آرد
هم ملامتگر او وعده جانان آرد
سید حسن غزنوی

بهار شیراز

هر باغبان که گل به سوی برزن آورد
آن‌جا که گر به شاخ گلی آرزوت هست
نازم هوای فارس که از اعتدال آن
نوروز ماه، فاخته و عندلیب را
ابر هزار پاره بگیرد ستیغ کوه
من در کنار باغ کنم ساعتی درنگ
آید دوان دوان و نهد بر کنار من
شیراز را دوباره به یاد من آورد
گل چین به پیشگاه تو یک خرمن آورد
بادام بن شکوفه مه بهمن آورد
در بوستان، نواگر و بربط زن آورد
چون لشکری که روبه سوی دشمن آورد
تا دل نواز من خبر از گلشن آورد
آن نرگس و بنفشه که در دامن آورد
لطفعلی صورتگر

هنگام فرودین که رساند ز ما درود؟



هنگام فرودین که رساند ز ما درود؟
کز سبزه و بنفشه و گل‌های رنگ رنگ
دریا بنفش و مرز بنفش و هوا بنفش
جای دگر بنفشه یکی دسته بدروند
کوه از درخت گویی مردی مبارز است
اشجار گونه‌گون و شکفته میانشان
چون لوح آزمونه که نقاش چربدست
شمشاد را نگر که همه تن قد است و جعد
از تیغ کوه تا لب دریا کشیده‌اند
آن یک نهاده چشم، غریوان به راه جفت

بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود
گویی بهشت آمده از آسمان فرود
جنگل کبود و کوه کبود و افق کبود
وین جایگه بنفشه به خرمن توان درود
پرهای گونه‌گون زده چون جنگیان به خود
گل‌های سیب و آلو و آبی و آمرو
الوان گونه‌گون را بر وی بیازمود
قدی است ناخمیده و جعدی است نابسود
فرشی کش از بنفشه و سبزه است تار و پود
این یک بیسته گوش و لب از گفت و از شنود



محمد تقی بهار



مازندران

که مازندران شهر ما یاد باد
که در بوستانش همیشه گلست
هوا خوشگوار و زمین پرنگار
نوازنده بلبل به باغ اندرون
همیشه بیاساید از خفت و خوی
گلابست گویی به جویش روان
دی و بهمن و آذر و فرودین
همه ساله خندان لب جویبار

همیشه بر و بومش آباد باد
به کوه اندرون لاله و سنبلست
نه گرم و نه سرد و همیشه بهار
گرازنده آهو به راغ اندرون
همه ساله هرجای رنگست و بوی
همی شاد گردد ز بویش روان
همیشه پر از لاله بینی زمین
به هر جای باز شکاری به کار

فردوسی



اصفهان



ای به هنر سرمه چشم جهان	خاک هنرخیز من ای اصفهان
کرده تو را از همگان انتخاب	لطف هوا و اثر آفتاب
در همه خاک کجا آفرید	آنچه در این خاک خدا آفرید
تیمچه و حجره و بازارچه	خیز و بر از پرده کن و پارچه
بافته بر حافظه روزگار	زر کش وزر بفت تو چون شاهکار
یا که در انگشت تو پیروزه ای است	مسجد شیخ کهنه موزه ای است
بر دل فردوس برین هشته داغ	خرمی مدرسه چارباغ
تازه عروسی است پر از خط و خال	عالی قاپو که مبادش زوال

حسین مسرور



ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس

بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس	ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس
پر صدای ساربانان بینی و بانگ جرس	منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام
کز فراق سوختم ای مهربان فریاد رس	محمل جانان بیوس آن گه به زاری عرضه دار
گو شمالی دیدم از هجران که اینم پند بس	من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب
شب روان را آشنایی هاست با میر عسس	عشرت شبگیر کن می نوش کاندرا راه عشق
زان که گوی عشق نتوان زده به چوگان هوس	عشق بازی کار بازی نیست ای دل سر بیاز
گر چه هشیاران ندادند اختیار خود به کس	دل به رغبت می سپارد جان به چشم مست یار
واز تحسر دست بر سر می زند مسکین مگس	طوطیان در شکرستان کامرانی می کنند
از جناب حضرت شاهم بس است این ملتمس	نام حافظ گر بر آید بر زبان کلک دوست

حافظ

خوشامرز ایران عنبر نسیم	که خاکش گرامی تر از زر و سیم
زمینش همه عنبر و مشک ناب	بجوی اندرش آب در خوشاب
فضایش چو مینو برنگ و نگار	به یکسو زمستان دگر سو بهار
هوایش موافق به هر آدمی	زمینش سراسر پر از خرّمی
گلاب است در جویبارش روان	همی پیر گردد ز آبش جوان
به هر سوی این ملک با آفرین	یکی بوم فرخنده بینی گزین
گراز فارس گوئی بهشتی خوش است	همه مرغ آن خرم و دلکش است
هوا خوشگوار و زمین پر نگار	نه سرد و نه گرم و همیشه بهار
	میرزا آقاخان کرمانی



خوزستان

سلام من به خوزستان پیام من به سامانش	به بهمنشیر جوشان و به کارون خروشانش
به خرمشهر زیبا و به اهواز دل افروزش	به آبادان آباد و به هرمز جان ویرانش
الا ای خاک خوزستان تو آنستی که دیدستی	سکندرها و قیصرها و لشکرهای جوشانش
اگر از هول قیصر بندشاد روان گسست از هم	بدیدی دست و پا در بند آخرزار و گریانش
بمان آباد و فتح روز و شیرین کام و روشن دل	که ایران مهد دانش هاست نپسندند ویرانش

حسین مسرور



رسانه های آموزشی

کتاب های داستان از حماسه جنگ

ارزشیابی کیفی - فردی (کتبی و شفاهی)

ابزار ارزشیابی: فعالیت یادگیری (طرح سؤال)

مثال: آموزگار از دانش آموزان می خواهد از متن درس سؤالاتی طرح کرده و بنویسند و سپس سؤالات را در گروه از یکدیگر

بپرسند و جواب بدهند.

فصل هفتم

فرهنگ و هنر

درس پانزدهم

«میوه هنر»

اهداف آموزشی

- آشنایی با پروین اعتصامی، شاعر توانمند معاصر
- آشنایی با نمونه‌ای زیبا از نظم معاصر
- تقویت مهارت تشخیص قالب‌های شعری (قطعه)
- آشنایی با نمونه‌ای زیبا از مناظره
- تقویت روحیه ثمربخشی
- درک و شناخت آفات بی‌حاصلی و بی‌ثمری
- توانایی تشخیص شبه جمله
- مهارت تشخیص و کاربرد کلمات مخفف

● **نگرش شبکه‌ای:** شعر «میوه هنر» از پروین اعتصامی، فضایل و حسنات اخلاقی را به عنوان میوه هنر به ذهن هر صاحب ذوق و اندیشه‌ای متبادر می‌نماید.

شاکله فضایل رفتاری بخشی از فرهنگ هر ملیتی را تشکیل می‌دهد.

پس بُعد هنری و بُعد معنایی شعر، توأم با هم با عنوان فصل، شبکه‌ای درهم تنیده ایجاد می‌کنند.

مفهوم و ثمردهی و تأثیرگذاری به عنوان زیر مجموعه فرهنگ رفتاری انسان‌ها در شکلی هنری رخ می‌نماید.

روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی تدریس اعضای گروه
- روشن سازی طرز تلقی
- الگوی ایفای نقش

الگوی ایفای نقش: شعر «میوه هنر» داستان سپیداری است که چون قدرت میوه‌دهی ندارد از نظر اطرافیان «بی‌ثمر» تلقی

می‌شود. این درس را می‌توان به روش‌های مختلف از جمله روش ایفای نقش تدریس کرد.

این روش برای کمک به دانش‌آموزان است جهت یافتن معنای خود، مفهوم جهان و اتخاذ تصمیم در حلّ دو راهی‌های دشوار زندگی. در ایفای نقش مسئله‌ای طرح می‌شود، نقش آن ایفا می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد. برخی ایفاگران نقشند و بقیه تماشاچی. فردی که خود را به جای شخصیتی قرار داده است سعی می‌کند با دیگران به تعامل بپردازد این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا

مهارت‌های مشکل‌گشایی خود را رشد دهند و احساسات خود را دریابند.

مرحله تدریس :

مرحله اول : تفسیر داستان و نشان دادن موضوعات اصلی آن.

مرحله دوم : تحلیل نقش‌ها و گزینش بازیگران نقش.

مرحله سوم : پردازش صحنه (ایفاگران نقش، طرح ساده‌ای از صحنه را ترسیم می‌کنند.)

مرحله چهارم : آماده ساختن مشاهده گران؛ مشاهده گران باید به گونه‌ای درگیر نمایش شوند که همگی بتوانند نمایش را تجربه کنند. معلم دانش‌آموزان را در ارزشیابی از اثر بخشی ایفاگران نقش مشارکت می‌دهد.

مرحله پنجم : نمایش، در این مرحله بازیگران نقش مورد نظر را ایفا می‌کنند.

مرحله ششم : بحث و ارزشیابی : مشاهده گران به طور خود انگیزه وارد بحث می‌شوند و سؤالاتی را مطرح می‌کنند.

مرحله هفتم : اجرای مجدد نمایش : بعد از اینکه توضیحات جدیدی از نقش‌ها مطرح شد، نمایش آغاز می‌شود و درباره اینکه افراد جدیدی آن را بازی می‌کنند یا نه، تصمیم‌گیری می‌شود.

مرحله هشتم : بحث و ارزشیابی نهایی.

نکات مهم درس

● قالب درس : قطعه

قالب قطعه : قطعه شعری است که مصرع‌های زوج آن هم قافیه‌اند. موضوع آن اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی است. ابیات قطعه از ابتدا تا پایان به یکدیگر مربوط بوده و تعداد ابیات قطعه بین ۳ تا ۱۵ بیت است اما گاهی تا ۵۰ بیت و بیش از آن هم رسیده است از میان شعرای پارسی‌گو، انوری، ابن‌یمین و پروین اعتصامی بیش از دیگران به این قالب پرداخته‌اند.

● نمونه‌ای از قطعه :

خلید خار درشتی به پای طفلی خرد
به هم برآمد و از پویه بازماند و گریست

بگفت مادرش این رنج اولین قدم است
ز خار حادثه، تیر وجود خالی نیست...

● پیام شعر میوه هنر : سرانجام بی‌ثمری و بی‌حاصلی، خواری و نابودی است.

● شعر «میوه هنر» مناظره‌ای است بین سپیدار و تبر.

● در این شعر از جان بخشی و جاندار پنداری، تشخیص، بهره گرفته شده است.

● نکات مهم شعر : در بیت دوم بین واژگان (بیخ، بن، شاخ) (تیشه، هیزم‌شکن، آره، نجار) تناسب وجود دارد.

منظور از دست قدر همان دست تقدیر و سرنوشت است.

کاین موسم حاصل بود : اکنون زمان ثمربخشی است.

در بیت ششم آتش گر (آتش + گر) کلمه غیر ساده می‌باشد.

در بیت ششم آوخ شبه جمله است.

معنی بیت هشتم : شاخه‌ای که مغرورانه سر بلند کند و حاصل و ثمری نداشته باشد، سرانجامی به جز نیستی و نابودی نخواهد

داشت. (شاخ : مخفف شاخه)

معنی بیت نهم: ای کسی که ادعای فضل و هنر داری ثمرهٔ انسان چیزی به جز دانش و حکمت نیست اگر آمادهٔ قدم نهادن در این راه هستی بسم الله.

میوه فروش هنر: ترکیب اضافی (هنر: مضاف الیه، میوه فروش: مضاف)

مفهوم بیت دهم: با ضرب المثل: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» هم سویی دارد.

گفته ناکرده بیهوده: سخن بی ارزش

در بیت یازدهم: بین واژگان (شب و روز و مه و سال) تناسب وجود دارد. روز عمل و مزد: منظور روز قیامت است.

● **شبه جمله (صوت):**

کلمه‌ای که به تنهایی معنی یک جمله دارد و برای بیان حالات روحی و درونی چون شادی، تعجب، افسوس و... به کار می‌رود

شبه جمله یا صوت نامیده می‌شود.

نمونه‌هایی از شبه جمله:

آرزو ← کاش، الهی تحسین: مرحبا، به به

تأسف: دریغا، آه تعجب: عجب، شگفتا

تنبيه: زنهار، مبادا امر: خاموش، بسم الله

احترام: چشم جواب و تصدیق: آری، بله، البته

برخی از شبه جمله‌ها از زبان عربی داخل زبان ما شده است مانند:

بارک الله، احسنت، ماشاء الله (آنچه خدا بخواهد)

● **نمونه کلمات مخفف درس:**

شاخ (مخفف شاخه) ز آتش (ز مخفف از)

زین جامه (زین مخفف از این) مه (مخفف ماه)

دی (مخفف دیروز) پار (مخفف پارسال)

● **کلمات غیر ساده درس:**

سپیدار (سپید + ار) غیر ساده هیزم شکن (هیزم + شکن) مرکب

نگونسار (نگون + سار) مشتق دانش (دان + ـش) مشتق

میوه فروش (میوه + فروش) مرکب گفتار (گفت + ار) مشتق

سرافرازی (سر + افراز + ی) مشتق مرکب امسال (ام + سال) مشتق

● **در این شعر نمونه‌هایی از قید زمان به کار رفته است.**

از جمله: یکی روز، موسم، شام، سحر، شب، روز، مه و سال، امسال، پار

قید: کلمه یا گروهی از کلمات است که در جمله جنبهٔ توضیحی دارد و فعل جمله به آن نیازمند نیست قید را می‌توان از جمله حذف کرد. نمونه: «احتمالاً معلّم به مدرسه خواهد آمد» در این جمله «احتمالاً» و «به مدرسه» قید هستند. با حذف این اجزا معنی

جمله تغییر نمی‌کند: «معلّم خواهد آمد». قید از نظر معنی و مفهوم انواعی دارد. از جمله: قید زمان، قید مکان، قید پرسش و...

● **قید زمان:** قیدهایی که زمان انجام شدن فعل را توضیح می‌دهند. «امروز در مدرسه جشن گرفتیم»

● **قید مکان:** به مکان و جهت اشاره دارد و جای انجام دادن فعل را توضیح می‌دهد. «او عقب اتومبیل نشسته بود»

- **قید پرسش:** از فعل جمله سؤال می‌کند. مانند: آیا، چرا، کی و... «آیا حال پدر بزرگ خوب است؟»
فعالیت‌های درس، سؤال ۴:

دهقان چو تنور خود از این هیمه برافروخت.

دهقان : فاعل تنور : مفعول هیمه : متمم برافروخت : فعل

یادآوری



حروف اضافه: «به، از، در، بر، برای، بدون، بی، اندر و...» حروف اضافه هستند.

کلماتی که پس از حروف اضافه قرار می‌گیرند «متمم» نامیده می‌شوند. پس حروف اضافه نشانه متمم هستند.

مانند: آن قصه شنیدی که در باغ یکی روز از جور تبر زار بنالید سپیدار

در: نشانه متمم باغ: متمم از: نشانه متمم جور: متمم

- **حکایت افلاطون و مرد جاهل:**

پیام این حکایت: این حکایت دانش‌آموزان را با رفتار بزرگانی چون افلاطون آشنا می‌کند. همچنین چابلوسی را مورد نکوهش قرار داده و موجب تقویت عزت نفس و بی‌توجهی به تملق‌های بی‌پایه و اساس می‌گردد.

وسایل کمک آموزشی

- فایل صوتی خوانش صحیح شعر
- فیلم آموزشی
- کتاب الکترونیک دیوان پروین اعتصامی
- پویا نمایی مناسب از (انیمیشنی) مضمون شعر
- آلبوم عکس از پروین اعتصامی

ارزشیابی

- شفاهی: خوانش صحیح شعر، رعایت لحن، آهنگ و مکث‌های مناسب.
- کتبی: انجام تمرینات مرتبط با یادآوری، تهیه گزارش از زندگی‌نامه پروین اعتصامی، تبدیل شعر به داستان.
- ارزشیابی کیفی – فردی یا گروهی یا کتبی

ابزار ارزشیابی

آزمون عملکردی کتبی – داستان نویسی

کتاب خوانی

اهداف آموزشی

- آشنایی با خصوصیات دوست خوب
- شناخت فواید قصه خوانی
- آشنایی با آداب قصه گویی
- آشنایی با متون کهن
- مهارت تشخیص عناصر داستان
- تقویت مهارت قصه گویی و قصه خوانی
- تقویت مهارت خوانش صحیح متون کهن

● نگرش شبکه ای : غنای فرهنگی هر جامعه ای با رواج و توسعه فرهنگ کتابخوانی رونق و ارج پیدا می کند و یکی از شاخصه های فرهنگ هر جامعه تعیین سطح و میزان مطالعه و کتابخوانی افراد آن جامعه است. درس «دوستی با انسان و کتاب» به بررسی ویژگی های دوست خوب و انتخاب شایسته دوست و همچنین برشماری خصایل دوست شایسته می پردازد که یکی از مهم ترین دغدغه های کودکان و نوجوانان است و همچنین فواید قصه خوانی و شنیدن قصه را مطرح می سازد و طرح درسی با این موضوع که انتقال فرهنگ سینه به سینه را از طریق داستان ها و حکایت ها مطرح می کند مهر تأییدی است بر جامعیت محتوایی فصل «فرهنگ و هنر».

در بخش بخوان و حفظ کن شعر «به گیتی به از راستی پیشه نیست» صداقت و راستگویی را به عنوان هنری در فرهنگ رفتاری انسان ها توصیه می کند.

روش تدریس پیشنهادی

- روش کارآیی گروه
- روش بحث گروهی
- روش تدریس اعضای گروه

با توجه به اینکه درس «دوستی با انسان و کتاب» قابلیت تقسیم به بخش های مستقل از یکدیگر را دارد می توان این درس را با روش اعضای گروه تدریس کرد.

● روش تدریس اعضای گروه :

در این روش دانش‌آموزان به گروه‌های مساوی تقسیم و در گروه‌ها به هر فرد تکلیف خاصی ارائه می‌گردد. هر عضو به مطالعهٔ انفرادی می‌پردازد. سپس دانش‌آموزان هم‌تا (شماره‌های مشترک) در یک گروه قرار گرفته و برای رفع اشکال، تبادل نظر می‌کنند و مجدداً به گروه‌های خود باز می‌گردند و هر یک قسمت مربوط به خود را در گروه به بقیه آموزش می‌دهد. در پایان، آزمونی از کل موضوع گرفته می‌شود و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آنان نمرات فردی و گروهی خود را محاسبه می‌کنند.

تدریس اعضای گروه با این هدف انجام می‌گیرد که هر یک از شرکت‌کنندگان قسمت متفاوتی از موضوع درس را مطالعه و به دیگر اعضای گروه آموزش دهند و هر عضو هم شاگرد است و هم معلم و برای اینکه گروه بتواند یادگیری‌اش را به حداکثر برساند، هر عضو سعی می‌کند مطالب را هم خوب بیاموزد و هم خوب آموزش دهد.

نکات مهم درس

معانی برخی از عبارات مهم درس :

صحبت با کسی دارد : با کسی هم صحبت شود.

کاری کند به احمقی : از روی نادانی کاری انجام دهد.

از بدخو سلامت نبود : همه از انسان بدخو و بدرفتار و بدکردار در عذابند.

هر که بر معصیت مُصر بود از خدای نترسد : هر کس بر گناه پافشاری کند از پروردگار نمی‌ترسد.

باید که غرض صحبت بشناسی : باید که هدف خود را بدانی.

که از وی نگریزد : از آنها نمی‌توان گذشت.

گریزی از آنان نیست : به ناچار به آنان وابسته‌ای.

بعضی چون علّتند : برخی مانند بیماری هستند.

در جمله : خلاصه

محنت و شدت گذشتگان : سختی‌ها و مرارت‌های پیشینیان.

دل از مال دنیا و دنیا بردارد : از دنیا و ثروت‌های دنیوی دل بکند.

با خود تکرار کرده باشد تا فرونماید : با خود مرور کرده است که از گفتن آن ناتوان نباشد.

ثر را وقت وقت به نظم آراسته گرداند : در این جمله وقت وقت به معنای گاهی آمده است.

باید داند جماعت لایق چه نوع سخن است : باید داند که چه سخنانی مناسب و شایستهٔ افراد حاضر است.

بزرگان گفته‌اند : نظم در قصه‌خوانی چون نمک است در دیگ. (تشبیه) در این جمله نظم به نمک تشبیه شده است. چون نمک

چاشنی بخش غذا است و نظم هم به سخن مزه می‌بخشد به چنین کاربردی تشبیه می‌گویند.

پس اعتدال نگاه باید داشت : در هر کاری اصل در میانه‌روی است.

در چشم مردم سبک شود : در نظر مردم فرد بی‌ارزشی جلوه می‌کند.

صاحب آن نظم را در اول یا آخر، یاد کند و فاتحه و تکبیر گوید.

بر صاحب آن شعر رحمت فرستد و آن را به بزرگی یاد کند.

● **ابوحامد غزالی :** امام محمد بن محمد غزالی از دانشمندان معروف دوره سلجوقی بود وی در توس به دنیا آمد. پدرش از

ریسیدن پشم، زندگانی خود را می‌گذراند و به همین دلیل او را غزالی می‌گفتند. غزالی بی‌اندازه با هوش و تند ذهن بود و علوم دینی و

ادبی را به سرعت فراگرفت و سپس به یکی از مدارس توس رفت و بعد از مدتی دوباره به توس برگشت و به دیدار خواجه نظام الملک توسی رفت. خواجه او را حمایت کرد و او را به تدریس در نظامیه بغداد مأمور کرد. از آثار او می‌توان به «نصیحه الملوک»، «کیمیای سعادت» و همچنین مهم‌ترین اثر وی «احیا علوم دین» اشاره کرد.

کاربرد قصه گویی در دروس

در ادبیات فارسی، قصه گویی باعث کسب مهارت زبانی می‌شود. در کنار برنامه‌های آموزشی با نقل قصه‌ای می‌توان به جای خشکی و یکنواختی، تنوع و جذابیت را نشان داد و فرایند یاددهی - یادگیری را اثر بخش‌تر کرد.

● شیوه‌های قصه گویی: قصه گویی انواعی دارد از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

قصه گویی ساده، قصه گویی همراه با تقلید صدا، قصه گویی همراه با حرکات اعضای بدن، قصه گویی همراه با پرده خوانی و ...
● فواید قصه گویی:

۱- افزایش قدرت تفکر و گوش دادن همراه با درک مطلب.

۲- عادت دادن کودکان به سخن شنیدن و اظهار عقیده.

۳- تقویت و رشد مهارت کلامی.

۴- صمیمیت میان مربی و دانش آموز.

۵- عمق بخشیدن به دانش.

۶- اثرگذاری بر تکوین شخصیت کودکان.

با توجه به موارد مذکور شایسته است، داستان‌هایی متناسب با گروه سنی دانش آموزان پایه ششم انتخاب شود و با شیوه‌های مختلف در کلاس قصه خوانی گردد.

● کلمات هم نویسه:

کلماتی که از نظر نوشتار یکسانند اما از لحاظ آوایی متفاوتند، هم نویسه نامیده می‌شوند.

مانند: (کرم، کرم، کرم، کرم) (مُسَلِّم، مُسَلِّم)

(کُل، کُل) (کُشتی، کِشتی) (کَلک، کِلک)

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی

که بسی گُل بدهد بار و تو در گِل باشی

گوهر مخزن اسرار همان است که بود

حُقه مهر بدان مُهر و نشان است که بود

(حُقه: کیسه کوچک)

مفهوم کلی شعر: راستی باعث نیک نامی می‌شود. راستی و درستی پیشه کردن و با انسان‌های راستگو و درستکار هم‌نشین

شدن و از انسان‌های دروغگو و ناپاک دوری گزیدن پیام کلی شعر می‌باشد.

وسایل کمک آموزشی

— فایل صوتی خوانش صحیح متن درس.

- فایل تصویری از نقّالی.
- فیلم آموزشی از شیوه‌های قصّه‌گویی
- کتاب الکترونیک چند نمونه داستان متناسب با سن دانش‌آموزان.

ارزشیابی

- شفاهی : خوانش صحیح متن، تلفظ صحیح کلمات، رعایت موارد مطرح شده در متن درس هنگام خواندن داستان، اجرای نمایش به صورت نظم خوانی و حکایت‌گویی.
- کتبی : ارزشیابی از املای صحیح کلمات، انجام تمرین‌های مرتبط با درس.
- مشاهده رفتار دانش‌آموزان در حین اجرای نمایش
- ارزشیابی کیفی (فردی)

ابزار ارزشیابی

- آزمون مدادکاغذی (کتاب باز)
- مثال : معلم برگه آزمون حاوی سؤال را در اختیار دانش‌آموز می‌گذارد و او با استفاده از کتاب در صورت نیاز به سؤالات پاسخ می‌دهد.

درس هفدهم

ستاره روشن

اهداف آموزشی

- آشنایی با نمونه‌ای از نثر کهن
 - تقویت روحیه ارج نهادن به بزرگان
 - تقویت صداقت و راست گویی
 - افزایش گنجینه واژگان (واژگان مخالف)
 - تقویت توانایی دریافت پیام درس
 - دوری از عیب جویی
 - تقویت روحیه احترام گذاشتن به والدین
- نگرش شبکه‌ای: این درس به سیره نبوی حضرت رسول، در آمیختگی آموزه‌های دینی را با فرهنگ جامعه به منظور تقویت ریشه‌های اصیل و پر از هویت متن هر جامعه‌ای، اشاره‌ای نغز و نیکو دارد.
- داستان «آوای گنجشکان» روح هنری خوانندگان را با رواج فرهنگ تکریم استاد و راه و رسم شاگردی کردن، می‌نوازد.

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش بارش مغزی
- روش کارایی گروه
- روش روشن‌سازی طرز تلقی

شرح روش روشن‌سازی طرز تلقی: پس از خوانش درس که نثری کهن دارد، می‌توان از روش روشن‌سازی طرز تلقی بهره جست: جملاتی ناقص درباره پیام درس و اهمیت فرهنگ توسط معلم مطرح می‌گردد و دانش‌آموزان با تکمیل جملات، طرز تلقی خود از فرهنگ را بیان می‌کنند. سپس دانش‌آموزان به صورت گروهی طرز تلقی خود را ارزیابی می‌کنند. طرز تلقی افراد بر رضایت شخصی‌شان اثر می‌گذارد. به همین دلیل جنبه مهمی از یادگیری محسوب می‌شود. در مرحله اول که معلم سؤال را مطرح می‌کند (به عنوان مثال پیام درس را مورد سؤال قرار می‌دهد) به فراگیران کمک می‌کند تا با پاسخ دادن به سؤال با تکمیل یک جمله طرز تلقی خود را ارزیابی کنند در مرحله بعد فراگیران دور هم جمع می‌شوند تا این طرز تلقی را مورد بررسی قرار دهند و بهترین مورد را انتخاب کنند. سپس مجدداً هر فرد پاسخ خود را تکرار می‌کند تا مشخص شود که آیا تغییری در آن رخ داده است یا خیر. و به این صورت فراگیران قادر می‌گردند طرز تلقی‌شان را بر یک پایه محکم از حقایق و اطلاعات و منطق استوار گردانند.

عمده‌ترین ویژگی این روش تقویت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان و نیز زمینه سازی شرایطی برای شنیدن عقاید متفاوت است.

نکات مهم درس

● اصطلاحات و عبارات :

اگر روزگار یابیم : اگر خداوند به من عمری دهد.

بدو گروم : به او ایمان آورم.

ستاره روشن ما بودی که ما را راه راست نمودی : یعنی تو مانند ستاره روشن، راهنمای ما بودی.

یادآوری : در روزگاران کهن به دلیل اینکه پیوسته مسافران و کاروانیان شب‌ها به سفر می‌رفتند تا از گرمای طاقت‌سوز خورشید در امان باشند تنها چیزی که نقشه راه و راهنمای اهل کاروان بود آسمان بود یعنی اهل کاروان به کمک ستارگان مسیر راه و جهت خود را تعیین می‌کردند.

راست گفتن پیشه گیرید، که روی را روشن دارد : راست گویی و صداقت در پیش گیرید که موجب روشنی و نورانی شدن چهره شما می‌گردد.

هر که شما را به زاد بزرگ تر باشد وی را بزرگ تر دارید : حرمت کسانی را که از شما بزرگ‌ترند نگاه دارید و به آنان احترام بگذارید.

تاریخ بیهقی : تاریخ بیهقی کتابی تاریخی است به زبان فارسی، درباره دوره پادشاهی مسعود غزنوی، نوشته ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی. این کتاب بخشی از کتاب مفصلی به نام «جامع التواریخ» است. این کتاب درباره اتفاقات چهل و دو ساله پادشاهی غزنویان است در سی فصل. این کتاب هم از جنبه تاریخ نگاری و هم از جنبه ادبی بسیار درخور توجه است. در این کتاب به مراسم و آداب و رسوم مانند : خطبه خواندن، خلعت دادن و جشن مهرگان و ... اشاره شده است.

سبک نگارش کتاب به لحاظ ادبی گیرایی و دل‌پذیری خاصی دارد. تاریخ بیهقی از بهترین نمونه‌های نثر فارسی است و اوج بلاغت زبان فارسی شمرده می‌شود. نثر کتاب حاکی از تسلط بیهقی به زبان فارسی و عربی است. بیهقی برای باورپذیر کردن و اثرگذارتر کردن کتابش و همچنین ایجاد حساسیت در خوانندگان و ایجاد کشش، این کتاب را به صورت داستانی نگاشته است.

از بزرگمهر چه می‌دانیم :

داستانی که درباره بزرگمهر در کتاب آمده مربوط به بخش «بزرگمهر و زندانی شدنش» می‌باشد.

— بزرگمهر در لغت : در لغت، بزرگمهر به معنای «آفتاب بزرگ» یا «صاحب محبت بزرگ» است.

بزرگمهر بختگان فرزند بختگ وزیر خردمند انوشیروان، شاه ساسانی بود که ابتدا به منظور آموزش فرزند انوشیروان، (هرمز) گماشته می‌شود و به دلیل کیاست و خوش رفتاری کم‌کم به مقام وزارت رسیده و در امور کشورداری با شایستگی بسیار به انوشیروان خدمت می‌نماید. وقتی حکیمان هندوستان برای آزمودن هوش حکیمان ایرانی بازی شطرنج را با خود به ایران آوردند. تنها بزرگمهر توانست رمز آن را کشف کند و در مقابل، بازی «نرد» را ابداع نمود و آن را برای شاه هندوستان فرستاد.

در نوبتی دیگر فرمانروایان روم صندوقچه‌ای مهر شده به دربار ایران فرستادند که ایرانیان محتوای درون آن را حدس بزنند از بین درباریان و دانشمندان تنها بزرگمهر توانست راز صندوقچه را حدس بزند.

● چند سخن از بزرگمهر :

— اگر خرسند و رضا باشی، زندگی به دلخواه سپاری.

— آدمی باید از گناه پرهیزد و هر چه را بر خویش نمی‌پسندد به دوست و دشمن خود روا ندارد.

— در آیین خرد در هر کاری اندیشه باید.

- برای آدمی، دشمن دانا از دوست نادان بهتر.
- هر که تن درست و نیرو دارد، هرگز سخن نادرست نمی گوید. دروغگویان بیمار و ناتوان و زبون اند.
- چند حدیث برای احترام به بزرگان :
- نگاه با محبت فرزند به پدر و مادرش عبادت است. پیامبر اکرم (ص)
- آن کسی که بزرگ ترها را احترام نکند و به کوچک ترها محبت نکند، از ما نیست. امام صادق (ع)
- نیکی کردن به پدر و مادر بر جای جهاد می نشیند. پیامبر اکرم (ص)
- کسی که به والدین خود از روی غضب بنگرد در حالی که والدین بر او ستم کرده باشند، خداوند نماز او را نمی پذیرد. امام صادق (ع)
- هر که پدر و مادر خود را راضی کند، خدای او را از خود راضی کرده و هر کس آنان را به خشم آورد، خدای او را به خشم آورده است. پیامبر اکرم (ص)

رسانه های کمک آموزشی

- فایل صوتی خوانش متن درس
- انیمیشن آموزشی مرتبط با موضوع درس.

ارزشیابی

- شفاهی : خوانش صحیح متن، رعایت مکث، آهنگ و لحن.
- کتبی : صحیح نویسی کلمه ها، انجام تمرینات محتوای کتاب.
- ارزشیابی کیفی - فردی

ابزار ارزشیابی

آزمون عملکردی (ارائه گزارش)



آدای گنجشکان

متن زیر، تحلیل و کالبد شکافی داستان «آب انبار» مرادی کرمانی است که به قلم دکتر فریدون اکبری شیلدره، و با عنوان «تیمارداشت» نفس در «آب انبار» نوشته شده، یادآور می‌شویم عنوان «آوای گنجشکان» انتخاب آقای اکبری بوده است. هوشنگ مرادی کرمانی ۱۶ شهریور سال ۱۳۲۳ در روستای سیرچ از توابع بخش شهداد کرمان متولد شد. از سال ۱۳۳۹ در کرمان و همکاری با رادیو محلی کرمان نویسندگی را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ با چاپ داستان در مطبوعات، فعالیت مطبوعاتی‌اش را گسترش داد. نخستین داستان او با حال و هوای طنز به نام «کوچه‌ما خوشبخت‌ها» در مجله‌ خوشه منتشر شد. این نویسنده آثار داستانی در خورتوجهی نوشته است که از جمله آنها می‌توان به «قصه‌های مجید»، «خمره»، «مربای شیرین»، «بچه‌های قالی‌باف‌خانه»، «شما که غریبه نیستید» و تازه‌ترین اثرش «آب انبار» اشاره کرد. در این نوشته، به معرفی، نقد، کالبدشکافی محتوا و شیوه کار مرادی کرمانی، پرداخته‌ایم.

داستان «آب انبار» برآمده از باب چهل و چهارم کتاب ارجمند قابوس نامه (عنصرالمعالی، ۱۳۷۳، ص ۲۶۲) «در آیین جوانمرد پیشگی» است. مرادی کرمانی خود در زیرنویس یکی از صفحات آب انبار می‌نویسد: «هنگام نگارش دو سه فصل اولیه این داستان، به یاد حکایت کوتاهی از کتاب «قابوس نامه» از آثار قرن پنجم بودم». (ص ۱۱)

چکیده داستان: روزی از مکتب خانه، بانگ سگ به گوش می‌رسد. شیخ مکتب‌دار که برای دمی آرامش به منزل رفته بود، با شنیدن این آوا، آسیمه سرخود را به مکتب می‌رساند. (این پرده از نمایش داستان، نقطه آغاز و شاید اوج رویداد است زیرا همه چیز از این نقطه، شروع می‌شود) می‌بیند یکی از کودکان (عماد) برای همکلاسی‌اش (الماس) بانگ می‌کند تا پاره‌ای از نان و حلوا زعفرانی او به دست آورد. شیخ با دیدن این صحنه، دل‌گران کرده، سر بر دیوار می‌کوبد و برخورد و کرده‌ها و نتیجه تربیت کودکان، های‌های می‌گردد.

پس از آن شیخ به تندی بر الماس می‌تازد و عماد را هم سرزنش می‌کند. الماس مکتب را رها می‌کند و در زیر زمین کارگاه پدر بازرگانش به کار می‌پردازد و پس از مدتی کار در این فضا و دیدن بسیار چیزها و چشیدن مزه تلخی‌ها و سختی‌ها، چراغ معرفتی در دلش پدیدار می‌شود و سرانجام به مکتب بازمی‌گردد.

چنین فراز و فرود شخصیتی در رفتار بقیه اشخاص داستان نیز به گونه‌ای دیگر تکرار می‌شود. حتی شیخ مکتب خانه هم، دست به تأدیب نفس می‌زند. پدر الماس، پدر عماد و نیز در پایان، حاکم شهر هم در فرایند دگرشدن و فرارفتن از خویش قرار می‌گیرد. این داستان به صورت رمانی کوتاه، درسی پاره یا شماره ساماندهی شده است. در پی، برخی از عناصر این داستان را بررسی می‌کنیم:

۱- موضوع: تعلیم و تربیت در مکتب خانه و بازنمودن فضای مکتب خانه‌ای در آموزش روزگاران پیشین، اصلی‌ترین موضوع این داستان سی پاره است.

۲- درون مایه: جانمایه اصلی این داستان، دگرگونی و انقلاب درون و تقلب احوال شخصیت‌هاست. آیین جوانمردی پیشه کردن، خاکسار شدن و به زیر رفتن و بنهاد خاکی خو گرفتن و سپس سربرآوردن و سبز و شکوفا شدن، تمام حرف این زنجیره سی حلقه

داستانی است. آزمندی سر همه نگون بختی‌ها و قناعت پیشه کردن سر حلقه‌های است، آن چنان که «ابن یمین» (۱۳۴۴، ص ۴۰۹) می‌گوید:

اگر پاک طبعی و پاکیزه کار توقع به درگاهِ دونان مَبَر
لستِ نانِ خشک از سرِ خوانِ خویش خوری، به که با دیگران، مُشکر
به یک استخوان، صلح کن چون های مگس وار، برگردد حلوا مَبَر

به دیگر سخن، پیام داستان این است که «خاک شو تا سبز شوی» (ص ۵۸) و گرنه زیاده خواهی و آزمندی، انسان را به خاک نگون بختی در خواهد غلتاند. جالب این است که تحوّل و دگردیسی‌ها از پایین جامعه، از فرودستان آغاز شده، در پایان به طبقه فرادستان جامعه (حاکم) می‌رسد. به هر روی، پیام کلیدی این اثر، پروردن نفس است. به همین سبب، شیخ مکتب دار در همه کار و کردارهای تعلیمی خود در پی تربیت نفس کودکان تلاش می‌کند تا از گذرگاه ادب درس، آنان را در ادب نفس به پروردگی برساند. رویدادهای داستان در یک شهر کویری رخ می‌دهد شهری که مردمش از آب‌انبار استفاده می‌کنند، هیچ تصویر و توصیفی از فضای شهر داده نمی‌شود، شاید ریشه در خاطرات دوران خردسالی نویسنده در حوالی کرمان دارد.

کالبد شکافی محتوایی

در چشم من این داستان، یک پوسته دارد و یک هسته. پوسته، همان است که زنجیره حوادث را در مکتب‌خانه و شهر، نشان می‌دهد. از این دید می‌توان گفت داستان آب انبار گونه‌ای بازآفرینی سال‌های پار و پیرار نویسنده و آمیختن آن با حکایتی از ادبیات کهن است. این نگاه، داستان را در سطح، نگه می‌دارد و همه پویه‌ها و گفته‌های اشخاص در معنای برونی واژه‌ها و کلام دریافت خواهد شد و خواننده به نهان خانه شخصیت‌ها و لایه‌های دنیای متن، گام نخواهد گذاشت.

در این نوع نگرش، همه چیز به اینجا می‌انجامد که کودکانی در مکتب خانه دور از چشم مکتب دار با هم بازی می‌کردند. یکی برای دست‌یابی به حلوا صدای سگ در می‌آورد و آن دیگری به او حلوا می‌داد تا این کار را تکرار کند. معلم مکتب در این میان سر می‌رسد و سرزنش و عتاب آغاز می‌شود. و دیگر ماجرا.

شاید بر پایه «قصه‌های مجید»، «داستان آن خمره» و دنیای حاکم بر فضای ذهن و زبان نویسنده و آثارش، این گونه گفته شود که قصه‌های مرادی کرمانی، ژرفا و عمق ندارند و شخصیت‌ها نیز چند سویه و چندلایه نیستند و بر همین بنیاد آب انبار را هم از بیرون ببینند و ساختمان برونی آن را به یاد بسپارند. اما گمان من این است که برای پی بردن به پیام اصلی داستان آب انبار باید از پلکان آن به زیر رفت تا لایه زیرین و خنکای نسیم چهره نواز آن را پس از برآمدن و چشم به دنیای بیرون گشودن، به دیده دل درک کرد. از این رو به نظر می‌رسد مرادی کرمانی از خاطره پردازی و روایتگری آمیخته به شوخی و طنز در قصه‌های پیشین، عبور کرده است. به فراخور سن و سالش، ژرفای نگاه و پختگی محتوایی نوشته اش فزونی گرفت و اکنون او همان شیخی است که پس از آموختن ادب درس، به تأدیب و تیمار نفس درون خود و دیگران به رسم جوانمردان و فقیان، رو می‌آورد.

غرور شکنی، خاک نهادی، خودشکنی، پست شدن و هست شدن و خلاصه، پوست انداختن و تولد دوباره جوهره و جانمایه این کتاب است. باورم این است که مرادی کرمانی به پایه‌ای از گشایش چشم درون و عظمت در نگاه، رسیده است که پدیده‌های پیرامونی را چونان درس‌مایه‌ای می‌بیند و به بازخوانی و کشف زیبایی‌ها می‌پردازد و از آن لذت می‌برد. زیرا از شیخ آموخته است که: هر جا می‌تواند مکتب باشد، به شرط آن که تو شاگرد باشی. (ص ۶۳)

شگردهای آموزشی مکتب خانه

۱- بهره‌گیری از تمثیل: یکی از راه‌های چابک سازی ذهن و سبب زیبایی آن است که نوشته را گیرا و اثرگذار می‌سازد. بهره‌گیری از تمثیل آموزه را در ذهن و ضمیر خواننده یا شنونده، جای گیر می‌کند.

مرادی کرمانی در این داستان، همچون مولوی در مثنوی، از چند تمثیل ساده برای بیان مفاهیم روان‌شناختی و معرفت‌شناختی سود برده است. این تمثیل‌ها چون به جا و کاملاً در پیوسته با سیر داستانی به کار گرفته شده، مانند گل میخ‌هایی است که ذهن سرکش را به بند می‌کشاند. مانند تمثیل بهره‌گیری از تخم مرغ برای فهماندن صبر و شکیبایی (ص ۱۲۹) یا زیرخاک کردن دانه گندم برای شکفتن (ص ۹۸) که همین معنی را مولوی در مثنوی معنوی (دفتر سوم، بخش ۱۳، دعوت باز بظان را از آب به صحرا، بیت ۴۵۳ به بعد) این گونه پرورانده است:

ببین که اندر خاک، تخی کاشتم	گرد خاکی و منش افراشتم
حمله دیگر تو خاکی پیشه گیر	تاکنم برجمله میرانست، امیر
آب از بالا به پستی در رود	آن‌که از پستی به بالا بر رود
گندم از بالا به زیر خاک شد	بعد از آن او خوشه و چالاک شد
دانه هر میوه آمد در زمین	بعد از آن سرها برآورد از دفتین
اصل نعمت‌ها زگردون تابه خاک	زیر آمد، شد غذای جان پاک
از تواضع چون زگردون شد به زیر	گشت جزو آدمی حی دلیر

(مولوی، ۱۳۷۰، ص ۳۷۵)

همچنین در بیت‌های زیر (از بخش ۹۵ دفتر سوم بیت‌های ۲۰۶۵ و ۲۰۶۶، ماجرای هفت مرد شدن آن هفت درخت)، همین معنای خاک شدن و شکفتن را مولوی به زیبایی نشان داده است:

دانه پرمغز با خاک دزم	خلوتی و صحبتی کرد از کرم
خویشتن در خاک گلی محو کرد	تا نماندش رنگ و بو و سرخ و زرد

(مولوی، ۱۳۷۰، ص ۴۲۷)

تمثیل چون با تصویرسازی ذهنی مخاطب و عنصر مقایسه همراه می‌شود، درک و دریافت آموزه‌ها را ساده‌تر می‌کند و میان دنیای متن با جهان ذهن خواننده پل می‌زند. آذری نجف‌آباد (۱۳۷۸: ۱۷) تصویر را، راه میان‌بر و کوتاه آموزش‌کاوی زبان می‌داند و معتقد است: تصویر، پشتوانه معنی است. تصویر به کمک درک جمله‌ها می‌شتابد و زبان‌آموز با بهره جستن از قدرت بینایی خود، تدریجاً به درک معنی جمله‌ها می‌رسد. سخن دیگر، اینکه «کارکرد تصویر، کارکرد تکثیر و باز تولید است؛ به بیان «گاستون باشلار»: تصویر، یک ادراک حسی میرا نیست بلکه زبانی است که زاده می‌شود». (ریکور، ۱۳۷۸، ص ۵۵)

به نمونه دیگر از تمثیل‌های آب انبار توجه کنید :

«ممنون گفت : چیزی به من بیاموز که ندانم.

شیخ، کوزه آب خویش که در کنار داشت، پیش ممنون گذاشت. کوزه‌ای دیگر از کودکی گرفت. کوزه خویش به ممنون داد.

— آب نخواستم، کوزه خواستم. به من چیزی بیاموز.

— شیخ گفت : کوزه را نگه‌دار تا در آن، آب این کوزه ریزم.

شیخ از کوزه خود در کوزه ممنون آب ریخت. کوزه در دست ممنون پر بود. آب از سر آن ریخت. ممنون گفت : به من چیزی

بیاموز.

بار دیگر، شیخ در کوزه پر، آب ریخت. ممنون گفت : این کوزه جا ندارد. مرا دیوانه می‌دانی. آری، من دیوانه‌ام. ممنونم. آن

چه باید بیاموزم، آموختم. ممنون ممنون.

ممنون برخاست، آب کوزه در کنار درخت خالی کرد. کوزه خالی پیش شیخ آورد و گفت : این یعنی، «خالی شو تا پر شوی»».

(ص ۵۰)

۲— توجه به محسوسات و پدیده‌های دیداری : البته این از ویژگی‌های اصلی هر خردمند ریزین و انسان هوشمند است که از رهگذر حواس برونی مانند خوب دیدن، دقت در گوش دادن و خواندن انتقادی به بارش مغزی می‌رسد. هجویری صاحب کشف‌المحجوب در این باره سخن جالبی دارد، وی می‌گوید حواس ظاهر درهای کسب علم هستند «کلیت علوم را حصول، ازین پنج در بود : یکی دیدن و دیگر شنیدن، سدیگر چشیدن، چهارم بوییدن، پنجم بسودن، و این پنج حواس، سپاه سالاران علم و عقلند». (هجویری، ۱۳۷۱، ص ۴۱۵)

نویسنده آب انبار با درنگ و تأمل در زوایای یک حکایت کوتاه قابوس‌نامه و باریک‌نگری در تمام اضلاع آن و ایجاد نقبی در دل آن سخن هزار ساله عنصرالمعالی، به آبشخور زایا و گوارایی دست یافت و دیگر اینکه در جایگاه شیخ مکتب خانه نیز از این شیوه به زیبایی بهره برده است.

در زبان آموزی یکی از نخستین درگاه‌های آموزش و یادگیری، چشم است. چشم یکی از آفرینش‌ها و اشیای آفریدگار است، بدان‌سان که در قرآن کریم آمده است : هو الذی أنشأ لکم السمع والابصار والأفئدة (مؤمنون/ ۷۸).

چشم مانند هر عضو دیگر بدن نیاز به تربیت و پرورش دارد تا به پایه و مایه‌ای برسد. اگر این نرمش دیداری در پروردگی چشم به کار آید، خوب دیدن به مهارت‌های دیدن انتقادی، عبرت‌اندوزی و درس‌آموزی چشمی و سواد دیداری می‌انجامد و دریا و اقیانوس ذهن و دامنه زبان زبان‌آموز را فراخ و فربه می‌سازد.

دو چشم، چونان دو جویبار هستند که به درون ذهن سرازیراند، چشمان، درون ریز هستند زیرا نموده‌ها و نگاره‌های دیداری و نمادها و نشانه‌های خطی و نوشتاری دنیای بیرون ذهن و زبان را به جهان درون می‌برند. شگردهای تربیت سواد بصری عبارت‌اند از : درنگ در پدیده‌های دیداری و محسوس، باریک‌نگری، ریزینی و دقت، پرسش درباره پدیده‌های پیرامونی، دگرگونه دیدن و...

۳— گشودن چشم حس و عاطفه : یکی از لطیف‌ترین و نازترین کارهای که شیخ مکتب دار به هنگام درس انجام می‌دهد، به بازی و تماشا کشاندن حواس و عواطف کودکان در کنار و همراه با آموزش رسمی است، یعنی پرورش حس و عاطفه به کمک سکوت، سکوتی که سرشار از نکته‌هاست و گوش سپردن به آوای طبیعت. «علم با مشاهده آغاز می‌شود. مشاهده عبارت است از ادراک چیزها و رویدادها و روابط میان آنها با واسطه حواس سالم و به کمک ابزارهایی که بر دامنه و دقت حواس می‌افزایند. بنابراین تعریف، و برخلاف تصور غلط معمول که فقط ادراک از راه حس بینایی را مشاهده می‌پندارند، آنچه از راه هر یک از حواس ادراک شود، مشاهده است. شنیدن صدا مشاهده است، چشیدن خوراکی مشاهده است، بوییدن گل مشاهده است، تشخیص زبری و نرمی، سردی

و گرمی اشیا نیز مشاهده است... مشاهده نخستین مرحله پژوهش علمی است... نکته مهم این است که مشاهده درست، هنری بسیار دشوار است؛ قدرت مشاهده درست پس از تمرین طولانی و ارتکاب خطاهای بسیار حاصل می شود». (بهزاد، ۱۳۹۰، صص ۱۲ و ۱۳)، شیوه ای که امروزه برای پرورش مهارت های زبانی و آفرینشگری ذهن و زبان کودکان در فرایند یاددهی - یادگیری و کاربست روش تازه و برانگیزاننده، بسیار ضروری است. به نمونه زیر، از این دید، توجه کنید :

«شیخ مکتب خانه بر تشکچه نشسته بود و بر بالش تکیه داشت. کودکان نیز بر تشکچه های خویش بودند و سر در کتاب حافظ داشتند. قرآن خوانده بودند و شیخ گفته بود : اکنون به آواز گنجشکان گوش می دهیم.

کودکان در سکوت، به آواز گنجشکان درخت مکتب خانه، گوش می دادند. عادت بود، میان دو درس، سکوت بود و گوش دادن به جیک جیک گنجشکان که فراوان بودند بر درخت. غوغا می کردند گنجشکان. عجب بود که هنگام درس، ساکت بودند. سر بر بال و سینه می گذاشتند. در خود بودند هیچ صدایی نبود، جز صدای شیخ

شیخ لبخند زد و گفت : به آواز گنجشکان گوش کن، هزاران سخن در آوازشان است. گوش کن، می شنوی.

ممنون ساکت شد. کودکان او را می دیدند که همه وجودش گوش شده است. گنجشکان غوغا کردند.

از درخت برخاستند و در هوای مکتب چرخ زدند و بازگشتند و بر شاخه ها نشستند. ممنون سر برگرداند، گنجشکان را دید. گنجشکان در شاخه ها گفت و گو می کردند.

شیخ گفت : چه می شنوی؟ بر کودکان بازگو. ممنون برخاست، رو کرد به کودکان با صدای بلند گفت :

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار»

(صص ۴۷ و ۵۱)

۴- **شگرد قصه پردازی :** مرادی همانند مولوی در مثنوی معنوی که پیوسته، زنجیره حوادث را به هم می پیوندد و داستانی در دل داستان دیگر می آورد، در چند بخش آب انبار از این شیوه بهره گرفته، به گونه ای که از قسمت ۱۸ به بعد، چهار قصه درونی را در ادامه پیوستار داستانی خود گنجانده است. (صص ۱۱۴، ۸۸، ۸۵ و ۱۴۰)

فرجام سخن و نتیجه

سخن پایانی این که، داستان آب انبار نشان دهنده منحنی دگردیسی شخصیت ها و فروشکستن، برخاستن و فرارفتن است. این فرایند دگر شدن و تحول، از فرودستان به فرادستان جامعه، راه یافت، آن چنان که در واپسین پاره داستان می خوانیم : «حاکم پس از برآمدن از آب انبار، سربه آسمان بلند کرد و لب جنبانید و نجوایی کرد با خود. دل و سینه اش سبک شد». (ص ۱۵۳)

سخن دیگر آنکه، آب انبار تصویرگر فضای تعلیم و تربیت مکتب خانه ای و غلبه ادب نفس در آن فضای تربیتی بر ادب درس و البته در فضای تأدیب است، شیخ در میان کودکان است و نقاب بر چهره ندارد اما میان آنها فاصله است. این داستان همچنین، اوج گیری اندرونی نویسنده و یک تعالی شخصیتی و لعل شدگی وی را در طول سالیان نیز نشان می دهد. به نظر می آید مرادی کرمانی توانسته است تار و پود بومی نویسی و سفر در خاطرات کودکی را پشت سر بگذارد و از حیرت و عادت رها گردد، «هرکس هرچه ببیند، اول حیرت و کم کم عادت می کند» (ص ۱۳۸) و خود را به سراچه حکمت و معرفت برساند و مشربی از آیین فتوت و جوانمرد پیشگی را برگزیند.



نیایش

اهداف آموزشی

- تقویت اهمّیت و باور نسبت به حمد و ستایش الهی
- توانایی ارتباط دوستانه و صمیمی با پروردگار
- آشنایی با صفات و ویژگی های خداوند

روش پیشنهادی تدریس

این درس را می توان به روش کارایی تیم تدریس کرد. که در درس های پیشین بدان اشاره شد. ابتدا گروه بندی انجام می گیرد. از اعضای هر گروه می خواهیم شعر را به صورت فردی صامت خوانی کنند. پس با طرح پرسش هایی دانش آموزان را به بررسی دقیق درس دعوت می کنیم. هر دانش آموز به صورت فردی پاسخ خود را به کلاس عرضه می کند.

پرسش ها مجدداً مطرح و دانش آموزان در گروه درباره آنها بحث، بررسی و مشورت می کنند. پس از خواندن دقیق معلّم با استفاده از پخش شعر همراه موسیقی، چند نفر از دانش آموزان شعر را می خوانند. جمع بندی درس با بهره گیری از نظرگاه های دانش آموزان و معلّم انجام می گیرد.

نکات مهم درس

- سرانجام هر کتابی به نیایش پروردگار مزمّن می گردد. در پایان کتاب فارسی نیز درس نیایش قرار گرفته است. این درس به صفات الهی و نیازمندان به پروردگار می پردازد.
- قالب شعر مثنوی است.
- نیایش در لغت به معنای دعا و آفرین است. نیایش کردن به معنای دعا کردن، عبادت کردن، آفرین گفتن و ستایش کردن است.
- نیایش در شعر شاعران :

— شب تیره تا بر کشد روزچاک نیایش کنم پیش یزدان پاک

(فردوسی)

— موبد موبدان پیش ملک آمدی و ستایش نمودن و نیایش کردی او را...

(نوروزنامه)

— به طاعت خانه شد خسرو کمر بست نیایش کرد یزدان را و بنشست

— نیایش نمودند چون بندگان به پیش کیان شاه فرخندگان

(دقیقی)

- نیایش «خدایا جهان پادشاهی تورا است» اثر نظامی گنجوی است که اصل این شعر در شرفنامه موجود است. بخش هایی از نیایش اثر نظامی گنجوی :

نیایش

خدایا جهان پادشاهی تورا است	زما خدمت آید خدایی تورا است
پناه بلندی و پستی تویی	همه نیستند آن چه هستی تویی
تویی کاسمان را بر افراختی	زمین را گذرگاه او ساختی
تویی کافریدی ز یک قطره آب	گهرهای روشن تر از آفتاب
تو آوردی از لطف جوهر پدید	به جوهر فروشان تو دادی کلید
جواهر تو بخشی دل سنگ را	تو در روی جوهر کشی رنگ را
حسابی کزین بگذرد گمراهیست	ز راز تو اندیشه بی آگاهیست
که چندان که اندیشه گردد بلند	سر خود برون نورد زین کمند
نبود آفرینش تو بودی خدای	نباشد همی هم تو باشی به جای

(نظامی)

زاویه دید

زاویه دید یا زاویه روایت روشی است که نویسنده با آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه می کند و در واقع رابطه نویسنده با داستان را نشان می دهد.

تقسیم بندی های مختلفی از لحاظ زاویه دید انجام شده است که یکی از این تقسیم بندی ها به شرح زیر است :

۱- من روایتی : من راوی نویسنده در حکم روایت کننده داستان است مانند چارلز دیکنز در دیوید کاپرفیلد.

۲- زاویه دید سوم شخص : گروه دوم داستان هایی است که از زاویه دید سوم شخص به داستان می نگرد و نویسنده رفتار و اعمال و گفتار شخصیت های داستان را برای خواننده گزارش می دهد. نویسنده عقل کل داستان است و به خود اجازه می دهد که نسبت به هر چیزی نظر بدهد. مانند داستان «کلیدر» محمود دولت آبادی.

۳- دانای کل محدود : در این شیوه نویسنده به خود حق نمی دهد که در قالب همه شخصیت های داستان برود. بسیاری از رمان های مشهور معاصر از جمله پیرمرد و دریا اثر همینگوی با چنین زاویه دیدی نگاشته شده اند.

زاویه دید رمان «سو و شون» سیمین دانشور نیز چنین است.

«... مگر چه گفت که هم سکوت کردند و به او خیره شدند؟ او احساس کرد واقعاً چیزی در درونش شکست و فرو ریخت...»

(سووشون - سیمین دانشور)

۴- زاویه دید نمایشی : در این مورد تقریباً داستان به طور کامل گفت و گو است و نشان دهنده اعمال و رفتار بیرونی شخصیت هاست.

«فرمانده گفت : حتماً میان خودشان نزاع شده. حتماً سرتقسیم پول دعوا کرده اند.»

(داشتن و نداشتن - همینگوی)

۵- روایتِ نامه‌ای : روایتِ نامه‌ای در موردِ رمان‌هایی است که بر اساس مجموعه‌ای از نامه‌ها تدوین یافته. این روش در قرن هیجدهم رواج داشته است.

اول اکتبر ۱۹۳۸ : «نامه‌ات هم اکنون به دستم رسید و بس که خوشحالم کرد بی‌درنگ خواستم جواب بنویسم. کار زمین را امروز تمام کردیم گرچه باران انگورها را خراب کرده ولی محصول خوب است.»

(از آن سوی دیوار)

۶- زاویه دید سیال ذهن : نویسنده با زاویه دید دوم شخص مستقیماً شخصیت یا شخصیت‌های داستانش را مورد خطاب قرار می‌دهد و داستان را روایت می‌کند. و گاه زاویه دید دوم شخص به اول شخص تبدیل می‌شود :

«همان شب خوابی دیده بودی : یک پرنده آبی با پرهای نقره فام و سخت زیبا، سحرگاهان در آسمان پرواز می‌کرد. ناگهان به پایین سرازیر شده بود، ...»

کتاب نامه

- آذری نجف آباد، الله وردی، ۱۳۸۰، «پرورش یادگیری و آموزش کاوی سمعی و بصری زبان عربی پایه»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۸، ۱۳۸۰
- آذریزدی، مهدی، قصه های برگزیده از مرزبان نامه، بازنویسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰
- ابن یمین فریومدی، ۱۳۴۴، دیوان اشعار، به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد، انتشارات سنایی، چاپ اول، تهران
- اعتصامی، پروین، دیوان اشعار، با مقدمه ملک الشعراء بهار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶
- اکبری شلدره، فریدون و همکاران، روش های نوین یاددهی — یادگیری و کاربرد آنها در آموزش، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- امین پور، قیصر، گزینه اشعار امین پور، انتشارات مروارید، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۲
- باقریان، سیدرضا و جمعی از نویسندگان، نیایش نامه (مجموعه شش جلدی) گزیده ای از نیایش های منظوم و منثور ایران و جهان، ناشر مؤسسه فرهنگی، دین پژوهی بشرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷
- بهار، محمد تقی، دیوان ملک الشعراء بهار، انتشارات توس، ۱۳۶۸
- بهزاد، محمود، ۱۳۹۰، مشاهده، ماهنامه آموزشی رشد معلم، دوره سی ام، آبان ۱۳۹۰، شماره بی دربی ۲۶۰، صص ۱۲ و ۱۳.
- بهمن بیگی، محمد، اگر قره قاج نبود، انتشارات قشقای، شیراز، چاپ ششم، ۱۳۸۸
- بهنام زاده، داستان های کوتاه از نویسندگان ناشناس، عشق بدون قید و شرط، تهران، پژوه، ۱۳۸۲
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر فیاض، نشر جام، چاپ چهارم، ۱۳۷۳
- پور وهاب، محمود، مرام خوبان (مجموعه آسمان چه می گوید)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰
- داودی، حسین، درس املا و شیوه نامه تصحیح آن، انتشارات مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- رحیمی نژاد، ویدا و نجفی پازوکی، معصومه، می خواهیم بنویسم، از جمله به پاراگراف، انتشارات رهنما، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰
- ریکور، پل، ۱۳۷۸، زندگی در دنیای متن، شش گفت و گو، یک بحث، ترجمه بابک احمدی، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران
- سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶

- سعدی، مصلح بن عبدالله، گلستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۴
- سید عبدالمجید، حیرت سجادی، دو یست داستان تاریخی از صد کتاب، چاپ اول، نشر پایا، ۱۳۷۷
- صادقی، علی اشرف و زندی مقدم، زهرا، فرهنگ املائی خط فارسی، نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵
- صفا، ذبیح الله، گنج سخن (منتخب آثار شاعران بزرگ پارسی گوی)، انتشارات ققنوس، چاپ هشتم، ۱۳۶۳
- صفا، ذبیح الله، گنجینه سخن (منتخب آثار پارسی نویسان بزرگ)، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۷
- صفی، فخرالدین علی، لطایف الطوایف، ناشر مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۵
- عنصرالمعالی، کیکاووس ابن اسکندر، قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح، غلامحسین یوسفی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۳
- غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، تصحیح حسین خدیو جم، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۰
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه (نامه باستان)، به کوشش میرجلال الدین کزازی، انتشارات سمت، ۱۳۸۸
- کیکاووس، عنصرالمعالی، قابوس نامه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۸۵
- محمدی، حسنعلی، از بهار تا شهریار، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
- مرادی کرمانی، هوشنگ، آب انبار، انتشارات معین، چاپ اول، ۱۳۹۱
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر (مجموعه شش جلدی)، چاپ هشتم، ۱۳۷۱
- موسوی گرمارودی، علی، تا محراب آن دو ابرو، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸
- منشی، نصرالله، کلیده و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۲
- مولوی، جلال الدین، محمد، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، انتشارات مولی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۰
- نظامی، حکیم الیاس، خمسة نظامی، به کوشش وحید دستگردی، انتشارات علمی، بی تا
- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی، انتشارات طهوری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱
- هراتی، سلمان، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، نشر دفتر شعر جوان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰
- همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعت ادبی، جلد اول، انتشارات توس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۴
- یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

